

پاراگراف نویسی علمی

(فایل پیاده شده شش جلسه درس استاد سلطانی)

جلسه ۱

از شش جهت می توان به ویژگی های نثر علمی پژوهشی پرداخت:

۱- ساختار:

نثر علمی پژوهشی دارای ساختار روشنی است. ساختار متن چارچوبی ست که در قالب آن می توانید متن خود را سامان دهید و مطالب خود را به شکلی منطقی و منظم به مخاطب ارائه کنید. متنی که دارای ساختار روشن است به محتوای متن جهت می دهد و مسیری راتعیین می کند تا خواننده بتواند با حرکت در آن به آسانی محتوا را بفهمد به عبارت دیگر با اطلاعات ارائه شده، نوشته خود را به شکلی روشن و قابل فهم سازماندهی کنید.

* برای اینکه نوشته شما ساختار داشته باشد باید موارد زیر را انجام دهید:

- ۱- تقسیم بندی پایان نامه (یا کتاب) به بخش ها (در صورت نیاز) و فصل های مشخص.
- ۲- در هر فصل از پایان نامه یا در یک مقاله قرار دادن نکات مشابه در قسمت های جداگانه و عنوان بندی هر کدام از این قسمت ها.
- ۳- تقسیم بندی هر قسمت به پاراگراف های مختلف.
- ۴- اطمینان حاصل کردن از این که هر پاراگراف فقط به یک فکر مرکزی اصلی می پردازد.
- ۵- بیان فکر مرکزی پاراگراف در جمله ای که در ابتدای آن نزدیک به ابتدای هر پاراگراف قرار می گیرد.
- ۶- پشتیبانی از این فکر مرکزی یا چند جمله ی پشتیبان اصلی و فرعی.

۲- سیر پژوهشی مشخص:

۱- پرسش: هر تحقیقی مبتنی بر یک مسئله است که در قالب یک پرسش قابل بیان است. پرسش اصلی پژوهش رامی توان به شکل صریح یا **صفتی** بیان کرد. «تأثیرات تخریبی سازمان های رسانه ای جهانی بر فرهنگ های ملی ومحلی چه اندازه است؟» یک سوال صریح است. اما جمله «جهانی سازی، نوعی استعمار جدید است.» یک پرسش **صفتی** است که می توان آن را به اشکال صریحی مانند «آیا جهانی سازی استعمار جدید است؟» یا «تاچه اندازه جهانی سازی، استعمار جدید به شمار می آید؟» بیان کرد.

۲- فرضیه: پاسخی است مختصرو دقیق به پرسشی که در مقدمه مقاله مطرح می شود. نگارش نوشته های تحقیقی مانند مقاله یا پایان نامه مبتنی بر یک ادعای اصلی که معمولاً «فرضیه» نام دارد. محقق باید پیش از نوشتن اثر فرضیه را به درستی تدوین کرده باشد. سپس هنگام نگارش اثر، این فرضیه را با اتخاذ رویکرد استدلالی ومنطقی به نتیجه برساند.

۳- پیوستگی متن: برای پاسخ به این پرسش تحقیق لازم است سیر استدلالی مشخصی را برگزیده تارسیدن به نتیجه ادامه دهید به این ترتیب باید نکاتی را که از فرضیه ومدعای شما پشتیبانی می کند شناسایی کنید و با استفاده از شواهد مناسب آن ها را بسط دهید.

حرکت روان از یک نکته به نکته دیگر یعنی حق پیوستگی متن بسیار مهم است. باید تلاش کنید از حاشیه پردازی و ایجاد شکاف در متن درسیر منطقی پرهیز کنید.

۳- رویکرد تحلیلی:

۱- توضیح بدهید، دلیل ارائه دهید، نتایج را بسنجید و پیش بینی کنید. ۲- مقایسه ومقابله وارزیابی کنید. ۳- جنبه های متعددی که مسئله را در نظر بگیرید. ۴- موضع گیری کنید. ۵- از مدعاهای دیگران یا شواهد موثق وقابل قبول پشتیبانی کنید ۶- ادعاهای دیگران را به دقت مورد بررسی

قرار دهید و در صورت نیاز شواهدی که استفاده کرده اند را زیر سؤال ببرید ۷- نتیجه گیری کنید ۸- پیشنهاد بدهید و توصیه کنید.

* به طور خلاصه تحلیل به معنای حضور قوی نویسنده در متن است نه نویسنده ای که فقط اطلاعات خام را فهرست وار پشت سر هم می چیند، بلکه مقابله و مقایسه می کند از یابی می کند و به نقد می کشد.

۴- استفاده از منابع:

برخی از انواع نوشته ها مانند رمان، شعر، گزارش، متون ژورنالیستی و نوشته های غیر پژوهشی دیگر هر چند ممکن است در آن ها اشاراتی به صورت مستقیم یا غیر مستقیم به متون دیگر وجود داشته باشد و به نظر دارای هویت مستقلی هستند اما کلیه آثار علمی و دانشگاهی مبتنی بر منابع دیگر هستند. نوشته های علمی باید در یک بافت علمی قرار داشته باشند زیرا هیچ پژوهشی نمی تواند در خلأ صورت گیرد و بی ارتباط با تحقیقات دیگر باشد. این بافت علمی را آثار پژوهشی دیگری تشکیل می دهند که شما باید از آن ها در نوشته خود استفاده کنید و به آن ها ارجاع بدهید.

۵- صراحت:

متن علمی صریح است که نویسنده ی یک اثر علمی پژوهشی باید اطمینان حاصل کند که معنای آنچه می نویسد کاملاً روشن و عاری از ابهام است. برای دستیابی به این هدف باید پرسش های مخاطبان را پیش بینی کنید. در حین نگارش و بعد از نگارش هنگام بازبینی نوشته هایتان تلاش کنید حدس بزنید خواننده تان چه پرسش هایی خواهد پرسید سپس به این پرسش ها در نوشته ی خود پاسخ دهید. برخی از پرسش هایی که ممکن است درباره ی کارتان پرسیده شود:

۱- منظور نویسنده از ذکر این نکته چیست؟

۲- هدف از این نوشته چیست؟

۳- چگونه این دو نکته یا پاراگراف با هم مرتبط می شوند؟

۴-شاهداین مدعایا نکته کدام است؟

۵-خودنویسنده درخصوص این مسئله چه دیدگاهی دارد؟

اگردرنوشته شما پاسخ به این پرسش ها درمکانی مناسب یافت نمی شوداثرشما فاقد صراحت است،دستورالعمل های زیر کمک می کنندتامقاله ای صریح وآشکار بنویسید:

۱- مفاهیم کلیدی راتعریف کنید.اگردرادیات رشته ی شما تعاریف متعددی برای مفهوم مورد نظرتان وجودداردتوضیح بدهید کدام تعریف موردقبول شماست یاشماچه برداشتی ازآن دارید.

۲-توضیح بدهیدقصد دستیابی به چه نتیجه ای رادارید.

۳-مطمئن شوید بین اندیشه ها ونکات مختلفی که ذکرکرده ایدرابطه ای مشخص برقرار است.

۴-اطمینان حاصل کنیدکه همه ی مدعاهای شما باشواهدمناسب پشتیبانی شده اند.

۵-نسبت به مباحث مطرح شده موضع گیری کنیدومطمئن شویدکه دیدگاه شما برای خواننده مشخص است.

جلسه ۲

نوشته های علمی ۶ ویژگی دارند:

برخی از این ویژگی ها برای سطح دوم و برخی دیگر برای سطح ۳ و ۴ می باشد ولی در کل این مطالب، مطالب پایه ای است و افراد سطح ۳ و ۴ هم باید از همین مطالب ابتدایی شروع کنند و افراد باید ابتدا با پاراگراف نویسی آشنا شوند و بعد به دنبال مقاله نویسی بروند.

آشنایی با پاراگراف نویسی:

کتاب از چهار بخش و ۱۲ فصل تشکیل شده است.

۱. مبانی پاراگراف نویسی (ساختار پاراگراف)

(۱) ساختمان پاراگراف و انواع جمله در آن

(۲) جمله موضوع

جمله موضوع خیلی مهم است و کسی که بتواند آن را خوب بنویسد پاراگراف خیلی خوبی دارد.

(۳) جملات پشتیبان و نتیجه گیری

این سه فصل در کنار هم آن بُعد ساختمانندی که نوشته های علمی را در قالب پاراگراف تشریح می کند.

۲. راهکارهای بالغی در وحدت موضوعی

۴) توصیف اگر بشود این ۷-۱ فصل را با استاد آموزش ببینید بقیه را می تواند به صورت خودخوان یاد بگیرد.

۵) مثال

۶) استدلال

۷) ترکیب روشها

این راهکارها حدود ۱۰ تا ۱۵ مورد است که مهم ترین آن ها اینجا آمده.

۳. عوامل انسجام بخش در متن

۸) انواع ساختار پاراگراف

۹) انسجام زمانی و مکانی

۱۰) عوامل دیگر انسجام

۴. روشهای پیچیده تر بسط پاراگراف

۱۱. تعریف

۱۲. مقایسه، مقابله، تمثیل

شیوه آموزش کتاب ← کتاب در ۵ جلسه به صورت زیر آموزش داده می شود.

جلسه اول ← فصول ۱-۳ (ساختمان پاراگراف و انواع جمله در آن

جلسه دوم ← فصل ۴ (توصیف) . انواع مختلفی دارد و در متون علمی کاربرد دارد.

جلسه سوم ← فصل ۵ (مثال آوری)

جلسه چهارم ← فصل ۶ (استدلال)

جلسه پنجم ← فصل ۷ (ترکیب روشها)

در جلسه اول سه فصل اول کتاب تدریس می شود و در نوشتن جمله موضوع سر کلاس تمرینهایی داده می شود و نمونه های نوشته شده سر کلاس توسط حاضرین و استاد بحث و اصلاح خواهد شد.

در جلسات دیگر، ابتدا تکالیفی که در متون و در فایل ورد نوشته شده اند تک تک سر کلاس به صورت جمعی بر اساس معیارهای داده شده بررسی می شود و ایرادات مشخص می شود.

در نیم ساعت انتهایی هر جلسه مطلب جلسه بعد توسط استاد تدریس می شود.

خلاصه از فصول ۱ تا ۳ به ساختمان پاراگراف می پردازد را بیان می کنیم.

(استاد تکالیفی را مشخص می کند که بر روی ورد انجام شود تا در کلاس بر روی آن بحث شود.)

(۱) یک قالب نگارشی داریم به عنوان مقاله کوتاه که معمولا در حدود یک صفحه A4 یا یک و نیم صفحه A4 است که از سه نوع پاراگراف تشکیل شده است.

(۲) مجموعه ای از پاراگراف ها که تحت عنوان پاراگراف های پشتیبان در وسط مقاله و نقش اصلی را دارد و یک پاراگراف در آخر که پاراگراف نتیجه گیری است.. (در پایان دوره باید

به تک تک آنها مسلط باشیم) و در دوره بعد که مقاله نویسی هست اینها با هم ترکیب شده و مقاله را تشکیل می دهد).

آنچه که مهم است پاراگراف های پشتیبان است که برای شرح و بسط نکات اصلی هر متنی به کار می روند که حدود ۹۵ درصد از اطلاعات هر پاراگرافی را در میان می گیرد.

در ابتدای هر پاراگرافی باید یک جمله ای به عنوان جمله ی موضوع بیاوریم که در قالب یک جمله باید باشد که عصاره و چکیده آن پاراگراف باشد. که به آن جمله موضوع می گویند. جمله های بعدی که بعد از آن می آیند جمله های پشتیبان هستند.

که جمله پشتیبان از ادعایی که در جمله موضوع آمده شرح و بسط می دهد.

بعد از نوشتن جمله های پشتیبان اگر پاراگراف شما طولانی است یعنی در حدود ۲۰۰ کلمه یا بیشتر است لازم است که یکبار دیگر نکته کلیدی که در بالا گفتید با زبان دیگر و با عبارت دیگر نه مثل خود عبارت که خسته کننده باشد بیان کنید.

و اگر موضوع شفاف بود و دیدید که خواننده نیازی به تکرار ندارد نیاز به جمله نتیجه گیری ندارید. و دوم اینکه عبارت جدید که نیاز به سوال کردند داشته باشد و تازه باشد را ننویسید چون نتیجه گیری جایی برای طرح مسائل جدید نیست و می خواهید بحث هایی که کرده اید را جمع بندی کنید.

یک نمونه پاراگراف

انواع جمله در پاراگراف پشتیبان

مثال.

(۱) **جمله موضوع** ← (تعداد قابل توجهی از اندیشمندان مسلمان ، به جز چند استثناء چه در علوم دینی و چه در علوم عقلی ایرانی بودند.) (۱)

(۲) **جمله های پشتیبان** ← بنیان گذاران علم نحو در زبان عربی ، سیبویه ، الفارسی به علم نحو که یکی از حوزه های علوم است . حوزه (۱) و الزجاجی ، همگی اصالتی ایرانی داشتند. (۲) اکثر جمله هایی که نویسنده شرح داده تا برای مخاطب روشن شود محدثانی که در حفظ روایات و احادیث پیامبر(ص) و ائمه معصومین (علیه السلام) کوشیده اند نیز یا ایرانی بوده اند و یا در ایران پرورش یافتند (۳) همچنین، بیشتر متکلمان (حوزه ۳) بزرگ ، فقه های برجسته و مفسران قرآن نسبی ایرانی داشتند .

در سه حوزه نویسنده پرداخته است تا روشن کند جمله موضوع خود را.

(در نتیجه می بینیم که ایرانیان سهم بسزایی در پیشبرد علم و تمدن اسلامی داشتند). ←
جمله نتیجه گیری

(شماره بندی ها را برای آموزش انجام داده است)

جمله موضوع.

جمله موضوع معمولاً اولین جمله پاراگراف بوده، از دو بخش تشکیل می شود.

(۱) فکر مرکزی پاراگراف/ اندیشه ناظر بر پاراگراف

(۲) بافت لازم برای فهم فکر مرکزی (که همان بخش معمول یا خبر یک نوشته را می

گوید.)

مثال (۱) انقلاب اسلامی ایران یک انقلاب دینی بود.

(این جمله ، جمله موضوع ماست و می خواهیم در یک پاراگراف در مورد آن توضیح دهیم. در

این جمله ، موضوع ما انقلاب اسلامی که معمول یا خبر یا ادعایش انقلابی بودنش هست که می

خواهیم توضیح دهیم.)

مثال ۲. (فعالیت های هسته ای) ایران و (صلح جویانه) است.

مبتدا

خبر

مثال ۳: انسان مدرن، انسانی نا آرام و همواره در جنب و جوش است

مبتدا

خبر

مثال ۴: یادگیری زبان خارجی در سنین پایین تر آسان تر است

مبتدا

خبر

مثال ۵ : جهانی شدن مانعی برای کشورهای در حال توسعه است.

مبتدا

خبر

ویژگی های جمله موضوع.

(۱) جمله موضوع ، توالی است که نویسنده به خواننده می دهد. نویسنده نباید در جمله های پشتیبان، که بعد از جمله موضوع قرار می گیرند ، غیر از آنچه را که در جمله موضوع ادعا کرده است بیان کند. (حاشیه روی و بی ربط نباید چیزی نوشت و فقط باید به جمله موضوع پرداخته شود. جایی جمله موضوع اکثر مواقع در ابتدای پاراگراف است و همه نویسندگان مطرح و از بزرگان فلاسفه گرفته تا حوزه های علمی مختلف این کار را انجام می دهند و در ابتدای پاراگراف در جمله اول خیلی ساده و شفاف آنچه را که می خواهد ثابت کنید به زبان خیلی ساده بیان می کنید و اینجا مقدمه چینی کردن نیست.

(۲) جمله موضوع نباید عام و کلی باشد . جمله باید آنقدر محدود باشد که بشود آن را در یک پاراگراف بسط داد.

(۳) جمله موضوع بیان بدیهیات و واقعیاتی که نیاز به اثبات ندارد نیست . بلکه ادعایی چالش برانگیز است.

ادعایی بکنید که با ۲۰۰ کلمه آن بتوان آن را بست .

به لحاظ حجی و کمی نمی توان حد خیلی دقیقی برای پاراگراف مشخص کرد اما یک معیار مانند صفحه A4 را در نظر بگیریم حداکثر باید نصف یک صفحه را به یک پاراگراف اختصاص دهید و نباید از نصف آن بیشتر باشد که فهم آن برای مخاطب دشوار می شود و اگر در چنین شرایطی مواجهه شدید باید آن پاراگراف را بشکنید به دو قسمت و در آن پاراگراف را توضیح دهید.

جمله موضوع نباید از یک سمت خیلی کلی باشد و از سمتی خیلی جزئی مانند مثال اول که انقلاب اسلامی ایران یک انقلاب دینی است یک جمله بدیهی است که نیازی به ثابت کردند ندارد

(۴) جمله موضوع خبری است . یک جمله پرسشی نمی تواند جمله موضوع باشد.

– محدود کردن جمله موضوع

در صورتی که جمله موضوع عام و کلی است ، نمی توان از چند جهت آن را محدود کرد.

(۱) به لحاظ موضوعی (۲) به لحاظ زمانی (قید زمان به پژوهش بزنیم)

(۳). به لحاظ مکانی (قید مکان)

به لحاظ موضوعی فرض کنید به عنوان مثال : آلودگی زیست محیطی یکی از معضلات بشر است .
(می خواهیم آن را به لحاظ موضوعی محدود کنیم)

محدود سازی موضوعی : موضوع ما در این جمله آلودگی های زیست محیطی است و فکر مرکزی مربوط به آن

« معضل » بودن آن است . یکی از راهکارهای محدود سازی موضوع تقسیم بندی آن به انواع مختلف است . در این مثال بر اساس نوع آلودگی شاید بتوان آلودگی های زیست محیطی را به نوع آلودگی صوتی، آلودگی هوا، آلودگی زباله تقسیم کرد. سپس می توان یکی از انواع این آلودگی ها را موضوع قرار داد، به شکل زیر:

آلودگی صوتی ناشی از بوق اتومبیل ها در ده سال اخیر یکی از معضلات بشر است.

در حوزه طلاق در خانواده می توان او را مثلاً در دهه هشتاد بررسی کرد یا دهه هفتاد

محدود سازی جمله موضوع: محدود سازی مکانی (بسته به نوع تحقیق دارد)

جمله موضوع ما بسیار بهتر شده است ولی هنوز یک مشکل باقی است. سوال این است: در کجا؟ در کل جهان؟ در شهر های ایران؟ به این ترتیب می توان آن را به شهر تهران محدود کرد.

آلودگی های صوتی ناشی از بوق اتومبیل ها در ده سال اخیر یکی از معضلات بشر است در شهر تهران تبدیل شده است.

مشخص کردن فکر مرکزی: تمرین

اگر بخواهیم توصیفی ساده و تقریبی از زبان بدست دهیم، می توانیم بگوییم که زبان آوا و معنا را به هم پیوند می دهد (در این جمله خبر را پیدا کنید؟) موضوع ما زبان است نکته و ادعایی ما این است که زبان پیوند دهنده آوایی است .

در این جمله جمله شرطی وجود دارد. که ما در دستور زبان می گوییم جملات پیرو و تکه دومش بند پایه است و تکه اول بند پیرو.

اهمیت نگارشی این موضوع این است که حرف اصلی را در دو بند پایه بزنید و جملات پیرو فقط زمینه را آماده می کنند و توضیحات اضافه برای آن هستند .

مثال: « وقتی که ترافیک سنگین باشد» « تاثیر روانی آن بر روی افراد یا مردم عصبی می شوند»

• اگر بخواهیم توصیفی ساده و تقریبی از زبان بدست دهیم، می توانیم بگوییم که زبان آوا و معنا را با هم پیوند می دهد.

• اعضای خانواده باید در جهت بقای کل خانواده بکوشند.

- موضوع نشانه شناسی، بررسی انتقال پیام از هر نوع است.

سه جمله موضوع را با شرایط زیر بنویسید و فکر مرکزی آنها را مشخص کنید.

(۱) بیان بدیهیات نباشد. (۳) خبری باشد (۵) ارزشی باشد.

(۲) چالش برانگیز باشد (۴) محدود باشد.

جمله های پشتیبان .

جمله پشتیبان دو نوعند:

(۱) جمله پشتیبان اصلی: جمله ای است که مستقیماً به اندیشه ناظر مطرح شده در جمله

موضوع مربوط است و به بسط آن می پردازد.

(۲) جمله جمله پشتیبان فرعی: جمله ای است که به طور غیر مستقیم و به واسطه جمله

پشتیبان اصلی به جمله موضوع ربط پیدا می کند.

پاراگرافی با جمله های پشتیبان اصلی و فرعی

تعداد قابل توجهی از اندیشمندان مسلمان ، به جز چند استثنا، چه در علوم دینی و چه در علوم

عقلی ایرانی بودند (۱) بنیان گذاران علم نحو در زبان عربی سیبویه، الفارسی و الزجاحی بودند

که همگی اصالتی ایرانی داشتند ، آنها چون در محیطی زندگی می کردند که زبان رایج در آن

عربی بود این زبان را آموختند و قواعد دستور زبان آن را مدرن ساخته و به یک رشته علمی

مبدل کردند.

(۲) اکثر محدثانی که در حفظ روایات و احادیث پیامبر (ص) و ائمه معصومین کوشیدند نیز یا ایرانی بودند یا در محیط ایران پرورش یافتند. شیخ طوسی، شیخ صدوق، علامه مجلسی و آیت الله مرعشی نجفی از جمله برجسته ترین این محدثان هستند.

(۳) همچنین بیشتر متکلمان بزرگ، فقهای برجسته و مفسران قرآن نسبتی ایرانی داشتند از این گروه شاید بتوان متکلم بزرگ خواجه نصیر الدین طوسی، فقهای چون شیخ انصاری، صاحب جواهر، میرزای قمی، و آخوند خراسانی و مفسرانی چون محمد جریر طبری، فیض کاشانی و علامه طباطبائی را نام برد.

در نتیجه می بینیم که ایرانیان سهم بسزایی در پیشبرد علم و تمدن اسلامی داشتند.

- اضافه کردن این جزییات دیگر نکته مبهمی برای مخاطب برای رد این مطلب نیست و الان پاراگراف ما یک پاراگراف کامل است.

اگر جمله موضوعی نوشتید و جمله پشتیبانی کلی از آن موضوع کردید و این پشتیبانی کلی نیاز به شرح و بسط بیشتر داشت آن جملاتی که بعد از آن می آید یک نوع پشتیبانی فرعی به حساب می آید. تفکیک این خیلی مهم است. نقطه گذاشتن در جملات فرعی و اصلی خیلی در سازماندهی و ریز کردن اطلاعات و سازماندهی کردندش خیلی موثر است.

اگر بخواهیم باز هم اطلاعات و جملات را اضافه کنیم و توضیح بیشتری در بعضی از قسمت ها بدهیم این پاراگراف بزرگ بزرگتر می شود و دارد حجمش زیادتیر می شود اگر به این جا رسیدید این یعنی اینکه شما هر کدام این پشتیبانی اصلی و فرعی را می توان به راحتی یک پاراگراف کرد. جمله های پشتیبانی اصلی می شوند موضوعی برای پاراگراف ما و جمله های فرعی می

شوند جمله پشتیبانی اصلی و می توان آنها را یک پاراگراف کرد. و جمله موضوع اصلی را می
بریم در پاراگراف مقدمه مقاله و این می شود فرضیه اصلی ما و جملات پشتیبانی اصلی می شوند
جملات موضوعی ما.

اگر جمله اصلی را حذف کنیم و جمله فرعی باقی بماند پاراگراف دچار ابهام می شود

- تمرین برای جلسه بعد.

۱. جمله موضوع
۲. سر جمله پشتیبان اصلی
۳. سه جمله پشتیبان
۴. نتیجه گیری.

استاد در ابتدا پاراگراف یکی از روحانیون را مورد نقد قرار می دهد. از لحاظ کارش با ورد که نوشتن آن ممکن نیست و در ادامه در مورد چینش پاراگراف آن صحبت کرده و نقد می کند.

پاراگراف یکی از روحانیون:

مساله امامت در مکتب تشیع کلامی است نه فقهی زیرا مساله ای که موضوع آن صفت یا فعل خدای متعال است کلامی است و مساله ای که موضوع آن فعل مکلف است فقهی است. در نگره و مذهب شیعه نصب و تعیین امام فعل خداوند متعال است لذا کلامی است و از اصولدین به شمار می رود به خلاف اهل سنت که آن را از فروع دین به حساب می آورند.

سخنان استاد: حاجا قاضی که کلمه دو جمله است. اگر جمله موضوعی شما کلامی است نه فقهی است. آیا پشتیبان اصلی و فرعی دارد. از قسمت مساله ای تا فقهی می باشد. در کل پاراگراف کوتاهی بود و توضیح درستی نداده بودید.

پاراگراف دیگری:

برخی از اندیشمندان معتقدند انسان علاوه بر بدن بعد غیر مادی نیز دارد. از منظر ابن سینا اگر طفلی که تازه متولد شده است اعضا و جوارح او طوری قرار گیرند که به همدیگر متصل نباشند و هوا هم معتدل باشد او نسبت به اعضا و جوارح خود اعتنا ندارد. اما نسبت به "خود" و "نفس" توجه دارد. ابن سینا از این توجه و عدم توجه دو بعدی بودن انسان را نتیجه گرفت. ملاصدرا آنرا از ابتدا هست تا همان ابتدای جمله بر این باور است که انسان از یک سو توانایی افعال نا متناهی را دارد مثلاً می تواند اعداد را تا بینهایت شمارش کند و از سوی دیگر، بعد جسمانی توانایی درک افعال نا متناهی را ندارد. ملاصدرا از این توانایی و ناتوانی برای انسان علاوه بر بدن نفسی نیز قائل می شود. با توجه به این ادله می توان به مرکب بودن انسان از نفس و بدن حکم کرد.

سخنان استاد در مورد این پاراگراف: جملات خوب است و از هم تفکیک شده جمله موضوعی از ابتدا است تا همان ابتدای جمله. و جمله پشتبان فرعی از منظر ابن سینا تا گیرند. منظور از پشتبان این است که هر توضیح اضافه ای که نسبت به جمله قبل می دهید.

پاراگراف بعدی نوشته شده توسط یکی از روحانیون:

نگاهی گذرا به کتاب‌های رجال متقدم هم چون رجال نجاشی، رجال کشی و کتاب‌های رجال امروزی هم چون معجم الرجال الاحادیث آیه الله خویی مجهول بودن این راوی را آشکار می‌کند. براین پایه چگونگی به چالش کشیدن باورهای شیعی با این نظریه آشکار گردید!

سخنان استاد در مورد این پاراگراف: نظر ایشان مثبت است و در مورد مجله‌ی تحریفی که با قرآن جمله مستقلى نیست و شما مثل اینکه ابتدا به ساکن بگوئید کتابی خریدم. این جمله درست نیست

می‌شود به جای نقطه ؛ بگذارید بهتر است. (در کل خوب بود)

پاراگراف بعدی که مورد بررسی قرار گرفت: در مورد پاراگراف چیزی نگفتند و به نظرشان

پاراگراف خوبی بود و همه چیز در آن رعایت شده بود.

امروزه یکی از معضلات خانواده‌های ایرانی، تضعیف اقتدار مرد می‌باشد که از عوامل متعددی نشأت می‌گیرد. در این میان نفوذ سبک زندگی غربی، بیشترین تأثیر را در تحقق این مسأله داشته است. با ورود سبک زندگی غربی به خانواده‌های ایرانی، نقش‌های زن و مرد که به علت تفاوت روحی و جسمی آنها متفاوت بوده دگرگون شده است. خانواده‌ای که تا پیش از این نقش نان‌آوری به عهده مرد بوده است اکنون زن این نقش را برعهده

گرفته است. همچنین سبک زندگی غربی به دنبال خود، اندیشه‌های غیر دینی را وارد جامعه‌ی اسلامی نموده است. از جمله اندیشه‌ی (لُمپنیسم) که با طرح شعار برابری زن و مرد، دیدگاه قومیت مرد که در قرآن بنابر آیه‌ی (نساء ۳۲) بدان اشاره شده را خدشه‌دار نموده است. یکی از دیگر از تأثیرات ورود سبک زندگی غربی در خانواده‌های ایرانی این است که جریان فمینیستی در تحقیر نقش‌های خانگی برای زنان، بر مبنای ارجعیت کارهای بیرون از خانه بسیار کوشیده است. امروزه زنان مسئولیت خانه‌داری و فرزندپروری که همواره به عهدشان بوده رها کرده و به مردان ویا سازمان‌های دیگر سپرده‌اند. مردی که به جای فعالیت‌های اجتماعی و مشارکت‌های اقتصادی سرگرم امور خانه داری باشد اقتدارش خدشه دار می‌شود، بنابراین امروزه علل و عواملی دست به دست هم داده و اقتدار مرد در خانواده را متزلزل نموده است.

پاراگراف بعدی نوشته شده توسط یکی از کارآموزان:

مبانی حکمت صدرائی قابلیت استنتاج تکامل برزخی نفس انسانی را دارد.

(۱) مشکل اصلی برسر راه اثبات حرکت در نفس مجرد پس از مرگ قوام حرکت بوجود ماده و قوه است. زیرا فلاسفه حرکت را ((خروج تدریجی شیء از قوه به فعل)) تعریف می‌کنند.

(۲) علی‌رغم اینکه ملاصدرا غالباً منکر تکامل برزخی می‌دانند، با توجه به اینکه وی قائل به تعاضد عقل نقل است نمی‌تواند نسبت به این مسئله بی تفاوت باشد. لذا براساس مبانی وی هم‌چون اصالت وجود، تشکیک وجود و حرکت جوهری نفس می‌توان نشان داد که

وی با توجه به هم سوئی عقل و نقل زیرساخت‌ها و مبانی اثبات ادامه حرکت نفس پس از مرگ را به خوبی فراهم آورده است.

(۳) به نظر وی تکامل نفس فقط از طریق حرکت جوهری اشتدادی تحقیق پذیر است، چه تکامل حاصل از خروج از مادیت به مجرد و چه تکامل حاصل از طی درجات مجرد. بنابراین با توجه به مبانی غنی صدرا و مذاقه در آنها وبا استناد به برخی نکاتی که ملاصدرا در فلسفه‌ی خود بیان کرده است، می‌توان تصویری از تکامل برزخی نفس ارائه داد.

نظرات استاد: اگر موقعیتی پیش آمد و خواستید استدلالی را صغری و کبری بچینید و خواستید با جملات مقدمه چینی کنید و بعد توضیح دهید و در کل نتیجه بگیرید، کلیت این جملات یک پشتیبان را شامل می‌شود. نکته دیگر اینکه جملاتی که زیرا دارد اگر در قالب جمله‌ی فرعی بعد از اصلی بیاید بهتر است که نقطه را برداریم و اشکالی ندارد جمله‌ی فرعی به اصلی بچسبد.

پاراگراف دیگر از کار آموزان:

از دیدگاه آیات و روایات یکی از عوامل گمراه کننده انسان نفس اماره است. نفس اماره نخست مسئول است، یعنی زیبایی را می‌شناسد و می‌داند که انسان چه چیزی را می‌پسندد. آنگاه اقدام می‌کند و از همان راه باطل را حق و حق را باطل جلوه می‌دهد؛ وقتی فریب ظاهرزیا را خورد و پسندید آنگاه اقدام می‌کند و سپس اماره بالسوء می‌شود و آهسته آهسته انسان را به بدی‌ها می‌کشاند چنانچه حضرت علی(ع) فرمودند: اعتماد به نفس

أَمَّارَه انسان را به ضلالت خواهد کشاند. عامل دیگری که در گمراهی انسان نقش دارد شیطان است، شیطان در مسیر حرکت انسان به سوی خداوند نقش اضلالی دارد. او اولین دشمن قسم خورده انسان است و به عزت خداوند قسم خورده که همه انسانها را بجز مخلصین گمراه کند. دسته دیگر از گمراه کنندگان در هر جامعه، مجرمان و تبهکاران آن جامعه هستند. این گروه با اشاعه فساد و فحشا، افکار انحرافی، بدعت‌ها و... مردم را از راه حق بازداشته و به گمراهی سوق می‌دهد. دوزخیان در مخاصمه بایکدیگر به این حقیقت اعتراف میکنند. بنابراین با توجه به آیات و روایات معصومین (ع) نفس أَمَّارَه، شیطان، مجرمان و تبهکاران هر جامعه از جمله عوامل گمراه کننده انسان در مسیر حرکت به سوی خداوند هستند.

نظرات استاد: گفتند جمله‌ی موضوعی درستی ندارد و جمله‌ی آخر می‌تواند یک جمله‌ی موضوعی باشد و در ابتدا از آن باید استفاده می‌گردید. اگر آیه در جمله داشتیم می‌نویسد آیه‌ی - و نقطه نمی‌خواهد و بعد گیومه باز می‌کنیم و آیه را نوشته و گیومه را می‌بندیم. در موارد گیومه، کما و... نمی‌توان تعیین کرد که کجا و چگونه قرار گیرد مثل وضو که می‌گویند وجهت را مشخص می‌کنند، علامت‌های نگارشی هم اینگونه است یک نهاد رسمی پایه‌گذاری می‌کند و تصویب می‌کنند و دیگران هم تبعیت کنند. (در کل گفتند اگر جمله‌ی موضوعی خوبی داشتید پراگراف خوبی است)

پاراگراف بعدی نوشته شده توسط یکی از کارآموزان:

زبان اشارت، یا زبان سکر و بی هوشی، عبارت است از زبانی که دریافت‌های باطنی عارف را با کلامی ظاهری و قابل تأویل آشکار ساخته است. (۱) دریافت‌هایی که با این زبان، یان می-شوند، در مرتبه اول با احوال عرفانی مرتبط اند و در مرتبه بعد با معرفت پیوند می-خورند.

(۲) بنابراین همان گونه که احوال عرفانی غیرارادی هستند، بیان این احوال نیز خارج از اختیار عارفانه اند و بی اختیاری در گفتار را برای به همراه دارند.

(۳) عارف در سفر معنوی خود، قلمرو عالم ماده را در نوردیده پا به جهانی فراتر گذاشته است؛ جهانی که هرچه در آن می‌بیند جز حقیقت چیزی نیست؛ حقایقی که سایه آن‌ها در عالم شهود قابل رؤیت است.

(۴) و تا لحظه در احوال خود و در عالم فراتر از ماده به سر می‌برد، زبانی برای بیان ندارد، ولی پس از بازگشت به عالم ماده، از واژگانی که دلالت بر سایه‌های عالم ملکوت دارند استفاده می‌کند تا حقایق آن جهان برتر را که سراسر وحدت است به تصویر بکشد.

(۵) پس این واژگان محسوس، برای نزدیک ساختن حقایق معنوی عالمی به کار می‌روند که سالک، آن را با دل و روح خود درک کرده است.

(۶) این زبان، ویژگی تعلیمی خود را از دست داده و به دلیل عقلی نبودن تعبیر عرفانی آن آموزش ناپذیر است و تنها کسانی که به دریافت‌های باطنی دست یافته اند، می‌توانند

آن را با درک ذوتی خود دریابند؛ از این رو واژگانی که در این زبان به کار می‌روند معنای ظاهری نداشته و باید تأویل شوند.

نظرات استاد: منظور از جمله‌ی آخر چیست و باید این اصطلاحات تعریف شوند تا بشود فهمید. زمانی که در فارسی فاعل غیر انسان باشد فعل به هر دو صورت می‌آید. این چون بحث محتوای می‌خواهد من نمی‌توانم در مورد آن صحبت کنم ولی از نظر ظاهری درست و صحیح می‌باشد. جمله‌ی موضوع باید حتماً با نقطه پایان پذیرد.

شروع درس:

ادعا را چگونه باید بسط داد؟ پشتیبانی یعنی چه؟ وقتی می‌گویید یک چیز را توضیح بده! توضیح چیست؟

بلاغت نوین راهکارهای مختلفی را ارائه می‌کند:

(۱) توصیف (۲) مثال آوری (۳) روایت (۴) استدلال (۵) مقابله و مقایسه (۶) طبقه بندی

(۷) تحلیل فرآیند (۸) حل مشکل (۹) استدلال و جدل

این روش‌ها را می‌توانید در قالب پاراگراف پیاده کنید و هم می‌توانید در مورد مقاله پیاده کرد مقالات جدلی سخت‌ترین مدل مقاله است. اداء فرد بیاورید و بعد شواهد بیاورید و بعد بگویید ما چه طور سازمان‌دهی کنیم و بعد اداء او را رد کنید و در مورد آن صحبت کنید.

بسط جمله موضوع با توصیف:

توصیف یعنی اطلاعاتی که شما از طریق حواس پنج گانه از جهان خارج دریافت می کنید. اگر با کلمات بیان کنید دارید توصیف می کنید در توصیف باید به چند نکته دقت کنید:

(۱) توصیف عینی: یعنی مانند یک دوربین بی احساس گزارش کردن یعنی عواطف و احساسات خود را در بیان توصیف دخالت نمی دهید.

(۲) توصیف ذهنی: یعنی شما تعجب، تأسف، شادی و خوشحالی خود را ممکن است در متن اثر بدهید.

توصیف عینی ویژه نوشته های علمی است و توصیف ذهنی ویژه نوشته های ادبی و ذوقی است.

مثال توصیف عینی: عده کمی از مردم ویژگی های اصلی الماس را می دانند. (۱) الماس از کربن خالص ساخته می شود و به شکل بلور است (۲) الماس ها اشکال مختلفی دارند: بعضی هشت وجهی و بعضی چهل و هشت وجهی اند (۳) به علاوه، الماس سخت ترین ماده است که تاکنون در جهان شناخته شده است و از این رو اسیدها تأثیری بر آن ندارند (۴) اما در عین حال الماس شیء ای درخشان و شکننده است. (۵) برای جلا دادن آن باید از نوعی روغن و پودر الماس استفاده کرد.

در اینگونه نمی گوید الماس زیباست و یا اینگونه است، باید در متون علمی این گونه عمل کرد.

مثال توصیف ذهنی:

باران هنگامه کرده بود. باد چنگ می‌انداخت و می‌خواست زمین را از جا بکند. درختان کهن به جان یکدیگر افتاده بودند. از جنگل صدای شیون زنی که زجر می‌کشید می‌آمد. غرش باد آواز- های خاموشی را افسار گسیخته بود. رشته‌های باران آسمان تیره را به زمین گل آلود می- دوخت. نهرها طغیان کرده و آب‌ها از هر طرف جاری بود.

- در این مثال اگر یک دانشمند یا یک هواشناس نمی‌تواند اینگونه بنویسد و توصیف کند.

بطور کلی برای نگارش توصیفی می‌توان از ۴ متن زیر استفاده کرد:

(۱) تأثیر واحد: فقط یک نکته را مورد تأکید قرار دهید. (بیشتر برای توصیف ذهنی است)

(۲) گزینش واژگان: کلمات را به دقت انتخاب کنید و بیشتر از کلمات ذات استفاده کنید نه معنا.

(۳) زاویه دید: برای توصیف موضوع مورد نظرتان منظری خاص انتخاب کنید.

(۴) انسجام: جزئیات را با نظم مشخصی ارائه کنید.

توضیحات: تأثیر واحد بیشتر برای توصیف ذهنی به کار می‌رود و بیشتر در ادبیات و داستان نویسی کاربرد دارد. در توصیف با توجه به اینکه تصاویر با اشیاء که ذات هستند یعنی عینیت دارد مفاهیم زیباتری می‌سازند مفاهیم ذات بخش خارجی دارند. مفاهیم ذات شکل دارند. زاویه دید یعنی که گوینده متن چه کسی است؟ اگر زاویه دید به گونه‌ای باشد که نویسنده در متن باشد، می‌شود زاویه دید اول شخص. اگر مخاطب را بیاورید می‌شود دوم شخص. و اگر، نه خودتون و نه مخاطب در متن نیستید، در واقع می‌شود زاویه دید سوم شخص که بهتر است از

زاویه دید سوم شخص استفاده کرد. و انسجام هم در مورد توصیف اشیاء و اجسام و مکان به کار می‌رود.

مثال زاویه دید اول شخص: میپرسی چطور شد مرد سیاسی شدم و سری میان سرها در آوردم. خودت باید بدانی که چهار سال پیش مردم بودم ، حلاج و کارم حلاجی و پنبه زنی.

توضیح: این ضمائر که به گوینده برمی‌گردد چه به شکل مفرد چه به شکل جمع نشان دهنده این است که زاویه دید اول شخص است. زاویه دید اول شخص در متون ادبی و شعر زیاد استفاده می‌شود و در متون علمی استفاده نمی‌شود مگر در موارد چکیده مقدمه یا مقاله بخواهید در حد کم اجازه می‌دهند ولی در کل در متون علمی نباید خودتون را وارد کنید. زاویه‌ی دید دوم شخص بیشتر برای نوشتن دستورالعمل‌ها به کار می‌رود مربوط به بحث ما چندان نمی‌شود مگر اینکه ما بخواهیم بنویسیم.

مثال زاویه‌ی دید سوم شخص:

واژه فلسفه کلمه یونانی است و به معنای دانش یا دوست دار دانش به کار می‌رود. در زبان عربی کلمه حکمت و علم مترادف فلسفه می‌باشد.

اگر به فعل‌ها توجه کنید می‌بینید که افعال سوم شخص‌اند و متنون که شما نوشتید همه از نوع سوم شخص می‌باشد.

۷ نوع توصیف که در متون علمی پر کاربرد هستند:

(۱) توصیف ویژگی‌های فیزیکی و شیمیایی: خصیصه‌های یک شیء مانند مقوله، ابعاد، رنگ،

مواد تشکیل دهنده، شکل، بافت، غلظت و چگالی.

(۲) توصیف ترکیب: اجزایی که یک کل را می‌سازند.

(۳) توصیف موقعیت: وضعیت جغرافیایی و مکانی

(۴) توصیف کارکرد: چگونگی عملکرد و کارکرد یک چیز

(۵) توصیف فرآیند دستوری: مراحل انجام یک کار

(۶) توصیف فرآیند طبیعی: مراحل اتفاق افتادن یک رویداد

(۷) توصیف ویژگی‌های یک امر انتزاعی: صفت‌ها و خصیصه‌های یک امر انتزاعی

بخش اول در مورد ساختار فیزیکی و شیمیایی است و برای علوم فیزیک و شیمی است.

بخش دوم زمانی که بخواهید اجزاء یک کتاب یا یک مفهوم به کل آن برسید.

بخش سوم مهم نیست.

بخش چهارم مهم است. مثل کارکرد تلویزیون و رسانه و تأثیرگذاری آن.

بخش ششم در علوم انسانی کاربرد دارد.

بخش هفتم توصیف و تعریف منظورات.

(از این هفت نوع ، مورد ۲، ۴، ۶، ۷ خیلی مهم است)

مثال برای توصیف کارکرد:

تلویزیون علاوه بر کارکردهای مثبت دارای کارکردهای منفی برای کودکان است این کارکرد-
های منفی شامل کارکرد-های درونی و بیرونی است. یکی از کارکردهای محتوایی برنامه‌های
تلویزیون افزایش خشونت در کودکان است.

گاهی اوقات می‌توانید جملاتی بیاورید که موضوع را باز کنید و بعد جمله‌ی پشتیبان را بیاورید.

فرآیند طبیعی:

در کل اگر بخواهیم فرآیند را تعریف کنیم به عملی گفته می‌شود که در چند مرحله اتفاق می-
افتد که کلیت کار یا اون عمل خصلت واحدی دارد می‌گوییم فرآیند.

فرآیند طوری است که نمی‌توان مراحلش را پس و پیش کرد اگر شما توصیف را جابجا کنید
می‌بینید که اون کاری که توصیف می‌کنید خصلت فرآیندی ندارد. فرآیندهای طبیعی، فرآیند-
های هستند که خود به خودی اتفاق می‌افتند. مثلاً آشپزی یک فرآیند طبیعی نمی‌شود چون
می‌توان تکرار کرد. اتفاقات طبیعی و جوی عضو فرآیندهای طبیعی‌اند. در فرآیند دستوری ما
مخاطب را خطاب می‌کنیم که این کار را انجام بده، آن کار را انجام بده. ولی در فرآیند طبیعی
از بیرون توصیف می‌کنیم و می‌گوییم ارا اینگونه آمد.

مثال فرآیند طبیعی:

از نظر جامعه‌شناسان، اجتماعی شدن که عبارت است از فرآیند یادگیری روش زندگی و ارزش‌های اجتماعی در طی دو مرحله کلی به وقوع می‌پیوندد.

امر انتزاعی: زمانی است که شما دارید یک امر انتزاعی را توصیف و تعریف می‌کنید.

مثال: واژه‌ی فلسفه کلمه یونانی است و به معنای دانش یا دوست دار دانش به کار رفته است. در زبان عربی کلمه حکمت و علم مترادف فلسفه است.

تمرین های مربوط به توصیف

در توصیف کلیاتی گفتیم توصیف به دو دسته ذهنی و عینی تقسیم می شود.

توصیف ذهنی به معنای توصیف احساسی است که در ادبیات به کار می رود و در نوشتار علمی جایگاهی ندارد.

در توصیف عینی ۷ نوع توصیف را تفکیک کردیم که به طور کلی در شاخه های مختلف علوم به کار می رود.

- ۱- توصیف ویژگی های فیزیکی و شیمیایی ۲- توصیف مکان ۳- توصیف ترکیبی ۴- توصیف کار ویژه ۵- توصیف فرآیند طبیعی و فرآیند دستوری و دستورالعملی ۶- توصیف یک مفهوم انتزاعی ۷- تعریف

توصیف ترکیبی: کتاب یا هر چیزی که ساختاری دارد توضیح داده شود.

مثال:

سوره ی بقره بزرگترین سوره قرآن کریم و اولین سوره ی مدنی، محورهای مختلفی دارد؛ محور اول این سوره در ارتباط با یهودیانی است که بزرگترین و مهم ترین دشمنان اسلام بودند. آیات ۴۰ تا ۱۵۲ سوره بقره مطالب مختلفی درباره آنان بیان نموده است. بخشی از این آیات به نعمت هایی مانند: «من» و «سلونی» که در اختیار بنی اسرائیل قرار گرفته اشاره دارد. بخشی دیگر به کفر و عصیان و پیمان شکنی آنان می پردازد؛ بخش پایانی این محور به دادستان های

دوازده گانه یهودیان اشاره دارد؛ مانند شکافتن دریا و نجات بنی اسرائیل، غرق شدن فرعون و فرعونیان، رفتن موسی به کوه طور، گوساله پرستی و... محور دوم این سوره مربوط به داستان حضرت ابراهیم (ع) است.

نوزده آیه از این سوره متضمن امور مختلفی درباره این پیامبرالوالعزم می باشد. بخشی از این آیات مربوط به استدلالی حضرت ابراهیم (ع) درباره توحید و معاد است. بخش دیگر زمینه و مقدمه ای برای تغییر قبله و بیان احام حج می باشد. محور سوم سوره بقره مربوط به انفاق و قرض الحسنه است که چندین آیه را به خود اختصاص داده است. جنگ های پیش روی مسلمانان، نیازهای مالی آنان برای تهیه ابزار و سلاح جنگی، رباخواری و ... سبب نزول این آیات گردیده است.

محور پایانی این سوره مربوط به نفاق برخی از مسلمانان می باشد که مشتمل بر پندین آیه است.

در نتیجه آیات مربوط به یهودیانف حضرت ابراهیم (ع) انفاق و نفاق محورهای ۴ گانه ای هستند که سوره مبارکه بقره عهده دار آن هاست.

اشکالات:

این طور که شما نوشته اید گویا غیر از این چهار محور، محور دیگری ندارد. چون گفته شده محورهای مختلفی دارد اگر تعداد محور تصریح شود بهتر است چون می خواهیم تصویر کلی از سوره بقره در ذهن مخاطب شکل بگیرد. اگر تعداد محور شناسایی شود و کامل گفته شود مخاطب بهتر در ذهن می سپارد و یاد می گیرد. اگر حاکم است. اگر فضای پاراگراف اجازه نمی

دهد می توانید توضیحات فرعی را کمتر کنید یعنی اول باید یک تصویر کلی در ذهن مخاطب ایجاد کنید تا یک کلیاتی از سوره بداند بعد اگر نیاز به توضیح دارد در ادامه نوشتار هر محور را در یک پاراگراف توضیح داد و کاملاً بسط داد.

نکته:

فعل می باشد خیلی تکرار شده است، باید جایگزین کرد؛ مثلاً بگوییم محور چهارم مفاهیم زیر را در بر می گیرد. از فعل های مختلف استفاده کنیم.

چندین آیات غلط است باید بگوییم چندین آیه.

توصیف کارکردی

مثال: فضای مجازی

یکی از مسائل مهم جامعه امروزی، فضای مجازی است. فضای مجازی کارکردهای مثبت و پیامدهای منفی فراوانی برای عموم انسان ها خصوصاً جوانان دارد. مهم ترین کارکرد مثبت این فضا تبادل تسریع اطلاعات است. در گذشته نه چندان دور برای دسترسی به دستاوردهای علمی دیگران نیازمند زمان طولانی بودیم ولی امروزه با رشد تکنولوژی و فناوری و فراهم شدن فضای مجازی به دهکده کوچکی تغییر ماهیت داده است که در اندک زمانی به یافته های دیگران می توان دسترسی پیدا کرد. در چنین فضایی تحقیق و پژوهش برای محققان و پژوهشگران آسان گردیده است. فضای مجازی پیامدهای منفی فراوانی دارد؛ یکی از این پیامدها استفاده بیگانگان از این فضا برای تهاجم فرهنگی است. این تهاجم با هدف قرار دادن اخلاق و عقاید جوانان در مدت کوتاهی تبدیل به دانشجویان و قتل عام فرهنگی گردیده است.

و در آینده نه چندان دور احتمالاً سبب از خودبیگانگی جوانان می گردد همچنین ارتباط جوانان با فضای مجازی در مدرسه، دانشگاه و کارگاه روش پاراگراف نویسی را می توان از دیگر آسیب های منفی و فضای مجازی دانست که سبب بی توجهی به تحصیل و تهذیب و افت تحصیلی آنان می گردد. برای بالابردن کارکردهای مثبت فضای مجازی و کم کردن پیامدهای منفی آن نخست باید معرفت جوانان را نسبت به عقاید، اخلاق، اهداف اصلی ایجادکنندگان این فضاها ارتقا بخشید. در مرحله دوم باید آنان را در فضای مجازی فعال نمود تا با تشکیل گروه های کارآمد برنامه های مفید تهیه نمایند.

توضیحات:

ساختار منظم است. خیلی خوب بود.

سؤال: پیامد بار مثبت دارد یا منفی؟ ← برای هر دو استفاده می شود

در انگلیسی برای پیامد مثبت و منفی واژه های متفاوتی استفاده می شود ولی در فارسی پیامد هم برای مثبت و هم برای منفی به کار می رود.

سؤال: آیا نتیجه که راهکار علمی برای بالا بردن کارکرد مثبت فضای مجازی است لازم است در پاراگراف دیگری به آن پرداخته شود؟

اگر جمله ی نتیجه گیری است می توانید خیلی مختصر به آن بپردازید و لی اگر در کل می خواهید انواع مشکلات فرهنگی / اجتماعی و فردی را بگویید و راه حل ارائه دهید ساختار و قالب خاص داد برای نوشتن مقاله کوتاه، ولی در نتیجه گیری اگر به معرفی پرداختید می توانید راه حل سریع را برای جمع بندی و پایان پاراگراف بگویید.

توصیف ترکیبی

شیخ محمدرضا نعمانی در کتاب «سیره و راه شهیده بنت الهدی ره» سیره آن شهیده را در ۵ عنوان بیان می کند. عنوان اول، به ویژگی های ولادت، کودکی، یادگیری، رشد علمی و دینی، شعور اجتماعی و سیاسی، تدریس، تربیت، عبادت و بندگی را می پردازد. در عنوان دوم، فعالیت های فرهنگی، تبلیغی و تألیفات او را ذکر می کند. در عنوان سوم، فعالیت های جهادی و فریادهای اعتراض آمیز او را در حرم علوی پس از دستگیری شهید محمدباقر صدر بر علیه حکومت ستمگر صدام را توضیح می دهد. در عنوان چهارم، موضوع گیری های ماندگار او را در سه مرحله یادآور می شود. در عنوان پنجم، جریان شهادت و خاک سپاری شهیده بنت الهدی را به تصویر می کشد. در پایان مطالعه کتاب می توان نتیجه گرفت که شهیده بنت الهدی می تواند الگوی مناسبی برای بانوان عصر حاضر از نظر تعلیم، تعلّم، تربیت، تبلیغ، جهاد و پافشاری بر ارزش های دینی، سیاسی و ظلم ستیزی باشد.

توضیحات:

محورهای کتاب را گفته است. ساختار خوب و مشخص است.

نکته:

اگر بناست بشماریم نیازی نیست ساده همه را بشماریم و بگوییم عنوان اول، عنوان دوم و ... این به مقدار متن را زیادی ساده می کند، می توان از اصطلاحات دیگری استفاده کرد مثلاً اگر در عنوان اول را گفتیم بعدی را بگوئیم در عنوان دیگر کتاب، خواننده خودش می فهمد که عنوان دوم است اول را می گوئیم آخر را با همان کلمه آخر یا عنوان پایانی مشخص می کنیم

بقیه را با عباراتی مثل عنوان بعدی، عنوان دیگر، در ادامه کتاب به عنوان فلان می پرد ازد
یعنی با تغییر در عبارت پردازی از این تکرار که آزاردهنده است جلوگیری می کند.

بر علیه غلط است ← علیه درست است.

توصیف کارکردی: کارکرد ویژه

وجود «لوزتین» دو تحفه خداوند به انسان هاست. «لوزتین» دو بادامک کوچکی هستند که در
حلق قرار دارند، لوزه ها مانند قرنطینه یا سند محکمی، در ابتدای راه تنفس قرار گرفته اند تا
میکروب ها را از بین ببرند و هوای تنفس را تمیز نگه دارند هر گاه آلودگی هوا بیشتر باشد و
میکروب ها نیرومندتر باشند، لوزتین، فعالیت بیشتری می کنند. در آن ها توریم ایجاد می
شود. واقعیت این است که هنگامی که عفونت هایی در حلق پدید می آید، لوزه ها همچون آذیر
خطر عمل می کنند. آن ها با متورم شدن پزشک را از عفونت حلق آگاه می سازند. اگر عفونت
حلق تشخیص داده نشود، عوارضی مانند: رماتیسم قلبی و مانند آن را در پی خواهد داشت.
پس آفرین لوزه ها، نشانه مهر، رحمت و دلیل بر علم، قدرت و حکمت بی انتهای پدیدآورنده
آن است.

توضیحات:

یک کارکرد گفته شده ولی انتظار می رود چند کارکرد گفته شود.

آوردن لوزتین که عربی است اشتباه است. در فعل های مرکب مثل فعالیت کردن نباید فاصله
بیفتند.

مثال:

وزش باد باعث ایجاد امواج دریا می شود. موج یک راه ارتباطی برای حرکت نیرو از جایی به جای دیگر است. بنابراین، باید نیرویی وجود داشته باشد تا موج را ایجاد کند. این نیرو را باد درون آب به وجود می آورد. زمانی که می بینید موج ها یکی پس از دیگری به حرکت در می آیند؛ آب را چنان می بیند که انگار خودش حرکت می کند ولی در همین لحظه اگر یک تکه چوب روی آب شناور باشد، به هیچ وجه از جای خودش حرکت نمی کند؛ این چوب همراه با امواج فقط بالا و پایین می رود و تنها هنگامی به حرکت در می آید که باد با جزر و مد آن را از جای اولیه اش به جای دیگری بکشانند. پس عامل اصلی ایجاد امواج دریا وزیدن باد بر سطح دریا می باشد.

مثال:

در برابر باور مردم؛ اوستا کتاب مقدس زرتشتیان، دربرگیرنده ۵ کتاب است. «یسنا، درون مایه برجسته ترینم بخش اوستا، دست آویزی برای فراخوانی نیروهای اهورایی به ن؟؟؟؟؟؟؟؟؟ آیینی زرتشتیان است. بودن سرودهای زرتشت در آن، از کامیابی های بی مانندی است که بر تارک این کتاب می درخشد. شورمندان به ستایش امشا سپندان، ایزدان و همه نیکان می توانند به کتاب «وسیپر» نگاه بیفکنند. بیشتر پژوهشگران بر این باورند این کتاب جزو کتاب سینا بوده که در درازای تاریخ بدان افزوده شد. ستایش ایزدان به گونه ای آهنگین و زیبا. در کتاب «یشت ها» دنبال می شود. کتاب «وندیداد» با دستورهای ویژه در تلاش است همه جلوه های اهریمن را نابود کند. سرتاسر وندیداد پهنه جنگ و خونریزی میان نیروهای اهورایی و اهریمنی است. نیایش های روزانه، نمازهای پنج گانه و دیگر رازونیاها بایسته و شایسته

زرتشتیان را باید در کتاب «خرده اوستا» جستجو کرد. این کتاب را موبد آذر مهر اسپندان به هنگامه پادشاهی شاپور دوم گردآوری کرد.

توضیحات:

خیلی خوب شده ولی اگر مله آخر یا آخرین بود که پایان بحث را نشان می داد خوب بود. کار خوبی که کردید این است که از شمارشگر استفاده نگردید چون اگر از شمارشگر استفاده شود خوانند دست کم گرفته می شود.

۵ عددی است که تقریباً در ذهن می ماند. آخری که معلوم شود چون اولی معلوم است راحت فهمیده می شود.

مثال:

هنگامی که به قله دماوند رسید، دو زانو به زمین نشست. روی به آسمان کرده و چیزی زمزمه کرد. زخم هایی که سالیان سال بر چهره اش جاخوش کرده بودند او را باشکوه تر کرد.

از فرجامین رخس که هر از چند گاهی چهره اش را گلگون می کرد دیر زمانی نگذشته بود. فرمانروایان سرنوشت ایران را به تیر و کمان او گره زده بودند و او چاره ای جز پذیرش نداشت. سپیدی گیسوانش، مردم را در اندیشه فرو برده بود؛ او توانی چنین کاری سترگ را دارد؟!

مگر تیر او چند فرسخ می تواند بپیماید؟! آیا اگر جوانی برای این ارجمند برگزیده می شد بهتر نبود؟!

سکوتی تلخ و سرد همه جا را فراگرفته بود. هنگامی که تیر را از تیردان بیرون آورد، دست ها به نیاز برداشته شد! آن سان که تیر در چله کمان رفت، سینه ها زندان نفس ها شد و دست ها بر چشم نهادند. دیگر کسی توان نگریستن نداشت. تنها برای پیروزی اش زیر لب نیاز می بردند.

توضیحات: حالت داستانی وار و شبیه نوشته های بهرام بیضایی

این توصیف، توصیف ذهنی است در حوزه ی داستان

توصیف ویژگی های یک امر انتزاعی

مثال:

تضعیف از باب تفعیل و ریشه «ضعف» است ضعف را در لغت چنین معنا کرده اند (لسان العرب جلد ۹ ص ۲۰۴). ضَعْف و ضَعَف برخلاف قوت و توانایی است گفته اند که ضَعْف با ضمه به معنای ناتوانی جسمی و ضَعَف با فتحه به معنای ناتوانی فکری و عقلی است بنابراین معنای لغوی تضعیف، ناتوان شمردن است. منظور از این واژه در بحث «تضعیف اقتدار مرد» کاهش یا عدم وجود اقتدار برای مرد، یا به عبارتی ناتوانی مرد از اعمال اقتدار است.

توضیحات:

می خواهید تضعیف را طوری تعریف کنید که در نهایت به بحث اقتدار مرد بپردازید این خوب است ولی اگر از همان ابتدای کار..... این را نشان دهید شاید بهتر باشد بگوئید مفهوم تضعیف که در این حوزه معمولاً برای بیان این مطلب به کار گرفته می شود تعاریف متعددی دارد. یا ریشه ی لغوی ویژه ای دارد، یهنی با این جمله شروع کنید.

یک جمله موضوع تیترا بنویسیم بعد در ادامه جمله اول را بیاوریم.

این پاراگراف چون تعریف است. تعریف مفاهیم یک امر انتزاعی است.

توصیف ترکیبی

کتاب «دگرگونی در نقش زبان» مجموعه ای از ۱۳ مقاله است. شهلا اعزازی در مقدمه اشاره می کند که در این کتاب مجموعه ای از مقالات با موضوع «زمان و موقعیت» آنان است؛ اما وی هیچ توضیحی ارائه نمی دهد که چرا این تعداد مقالات را گردآوری کرده و بر چه اساس این موارد را در کتاب آورده است. نکته دیگر اینکه تمام مقالات موجود، مرتبط با عنوان کتاب نبوده و به مسائل دیگر هم پرداخته اند ضمن اینکه کتاب مذکور رویکردی کاملاً جامعه شناسانه داشته و در استنباط مسائل خود هیچ استنادی به آموزه های اسلامی ننموده و بیشتر از منابع غربی ویا تحقیقات میدانی در این زمینه بهره گرفته است.

اشکالات:

ساختار کتاب را توضیح نداده است. در توصیف مخاطب باید بدانند ۱۳ فصل کتاب چه محورهایی دارد. برای نقد کتاب باید در پاراگراف دیگری این کار را انجام داد. می توانستید ۱۳ مقاله را به چند محور تقسیم کنید. اگر مقاله ها محورهایی دارد. بعد براساس محورها ساختار کتاب را توضیح دهید. بگوئید مثلاً مقاله ۱ تا ۴ مباحث نظری است. ۵ تا ۱۱ فلان است و غیر.

نقد خوب است. نکاتی که گفتید خیلی خوب است منتها در این پاراگراف با هدف توصیف ترکیبی جایگاهی ندارد.

توصیف فرآیند طبیعی

جمله موضوع: سبک زندگی که «روش نوعی زندگی فردی و یا شیوه ی زندگی که منعکس کننده ی گرایشها و ارزش های یک فرد یا گروه است» می باشد (مهدوی کنی، ۱۳۸۷، ص ۵۱) امروزه با چالش هایی مواجه شده است. برخی جامعه شناسان معتقدند که پس از انقلاب صنعتی که در میانه قرن ۱۹ آغاز گردید (اعزازی، ۱۳۹۰، ص ۱۹۵) سبک زندگی در خانواده های ایران با تغییراتی مواجه شد. برای مثال امروزه مسائل حیاتی زندگی مانند فرزند آوری اهمیت خود را از دست داده است (اعزازی، ۱۳۹۰، ص ۱۸۹) همچنین در این فرآیند، تولید از محدوده خانواده خارج و به اماکن بیرون از خانواده منتقل شده است: و نیز در گذر زمان، الگوی خانواده ای گسترده، دیگر مناسب دوران صنعتی نبوده و الگویی جدید با ساختار متفاوت مطرح گردیده است. بنابراین سبک زندگی در جامعه صنعتی دچار تغییر و تحول شده است.

- فرآیندی که می خواهید توضیح دهید چیست؟ تغییر سبک زندگی

تغییر سبک زندگی چه فرآیندی را طی کرده است؟ در چند مرحله؟

وقتی می گوئیم فرآیند دقیقاً باید فرآیند در چند مرحله انجام می شود: شناسایی کنیم، ازهم تفکیک کنیم به نحوی که مراحل قابل جا به جایی نباشد وگرنه به آن نمی شود گفت فرآیند. بعد هر مرحله باید در یک جمله توضیح داده شود که این جا این اتفاق نیفتاده است.

خود تغییر سبک زندگی قطعاً یک فرآیندی است اما شما حول و حوش این صحبت کرده اید.

خود این فرآیند رو باید به آن فکر می کردید ببینید در چند مرحله اتفاق افتاده است که ممکن بود با تحولات تاریخی ایران هم نسبتی داشته باشد مثلاً دوره مشروطیت اتفاقی افتاده ازمشروطه تا انقلاب اتفاقی دیگر افتاده و از انقلاب به این طرف دیگر اتفاق افتاده است. بعد

بگوئیم فرآیند سبک زندگی که از ۲۰۰ سال پیش تاکنون به این وضعیت رسیده در این چند مرحله تاریخی این تغییرات را داشته است.

جمله موضوع پاراگراف: هیچ وقت نباید نوشته های دیگران باشد. جمله موضوع جایی است که نویسنده می خواهد حرف خودش را بزند. نوشته های دیگران را برای پشتیبانی از ادعای خودمان به منابع مراجعه می کنیم به عنوان شاهد می آوریم. آوردن نقل قول و دادن ارجاع در جمله موضوع مجاز نیست. اگر موضوع سبک زندگی ایرانی باشد باید جمله موضوع عوض شود. جمله موضوع قصدی و پیچیده است.

توصیف انتزاعی

واژه «اقتدار» به معنای قدرت یافتن، قدرت داشتن، توانا شدن، توانایی است. اقتدار در اسلام هم به اقتدار درونی که عبارت است از تهذیب نفس و هم اقتدار بیرونی که شامل قدرت نظامی، سیاسی و اقتصادی هست، اطلاق می شود. مطهری اقتدار را از اصول ثابت جامعه اسلامی می داند؛ وی معتقد است جامعه مسلمانان ضعیف را نمی توان جامعه اسلامی نامید. برمسلمین واجب است اقتدار کسب کند و برای یافتن اقتدار مقدمات اقتدار نیز برآنان واجب می گردد. قدرت در اندیشه وی محدود به قدرت های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و نظامی و به طور کلی مادی نیست. قدرت معنوی در اندیشه ایشان جایگاهی رفیع دارد. به نظر وی قدرت بیرونی بدون اراده و اقتدار درونی ارزش ندارد و قابل دوام نیست.

- اشکالات:

پایان جمله ها باید با نقطه از هم تفکیک شود.

اگر فقط روی تعریف شهید مطهری «رحمه الله علیه» از اقتدار متمرکز هستید میتوانستید در جمله موضوع آن را مشخص کنید و بگوئید از نظر شهید مطهری اقتدار دو بعد دارد. این طور قشنگ ساختار پیدا می کرد به جای اینکه یک چیز کلی عنوان کنید و بعد در ادامه به شهید مطهری بپردازید.

اگر هدف بیان دیدگاه های شهید مطهری در باره اقتدار است و ایشان دو بعد در نظر گرفته همین را محور بحث قرر می دادید که جمله موضوع اینگونه میشد: از نظر شهید مطهری اقتدار دو بعد دارد یک چیز خیلی ساده که مفهوم و دیدگاه از ذکر کنید. بعد هم بُعد اول و بُعد دوم را توضیح می دهید و نتیجه گیری هم خواستید می آورید و خواستید نمی آورید

در انگلیسی فامیل تنها آورده نمی شود. باید بگوئید مرتضی مطهری، داخل پرانتز هم سال آورده شود و کامل ارجاع داده شود.

توصیف کارکرد/کار ویژه

جمله موضوع * (اقتدار، ویژگی روحی و شخصیتی مرد است. از سویی عواملی باعث تقویت آن و از سویی دیگر عواملی آن را تضعیف می کند)*. از جمله عواملی که باعث تضعیف اقتدار مرد می شود را می توان اشتغال و استقلال زن، مخالفت با رأی و اندیشه مرد، تحقیر، غر زدن و... نام برد. مرد از اینکه توانا باشد و احساس توانایی کند لذت می برد لذا اگر زن باعث از بین رفتن این احساس در مرد شود و او احساس اقتدار نکند و یا اینکه زن اقتدار او را نپذیرد احساس بی کفایتی می کند. مرد نسبت به او دلسرد می شود و به دنبال کسی است که به قدرت هایش

ایمان داشته باشد و حتی ضعف هایش را در جهت تقویت توانایی هایش، مثبت جلوه دهد و زن باید بداند که این به ضرر او تمام می شود.

اشکالات:

این جا جمله تمام شده و باید نقطه گذاشته شود و جمله بعدی با مکث خوانده شود بعد از باعث باید فعل می شود آورده شود. چون اول گفته شده که عواملی باعث تقویت می شود انتظار می رود اول عوامل تقویت کننده شمرده شوند. بعد عوامل تضعیف کننده اقتدار توضیح داده شود. جمله موضوع مسیر ادامه متن را باید مشخص کند. نمی شود ابتدا ادعایی بکنیم و بعد در ادامه چیز دیگری گفته شود. جمله بندی ها را باید بهتر کرد.

در کتاب راهکار های مختلفی برای بسط مطلب ارائه شده است

توصیف کاربردی ترین (بنیادی ترین) روش برای شرح و بسط یک مطلب است

• بسط جمله موضوع با مثال.

مثال یک شکل خاص از توصیف است. مثال را حتماً شما با آن برخوردید در گفتگوهای روزمره هم وقتی صحبت می کنیم زیاد می گوئیم مثلاً در متون علمی هم خیلی استفاده می شود. راهکاری بسیار ساده و خیلی کار آمد است برای تفهیم و توضیح یک مطلب. گاهی به جای استدلال های پیچیده می توان با یک یا دو نمونه واقعی حرف خود را به کرسی بنشانید بدون اینکه خودتون را درگیر استدلال های پیچیده کنید مثال را باید در نگارش خیلی جدی گرفت.

اگر بخواهیم مثال را امتحان کنیم که ببینیم تناسب دارد یا نه می توانیم جمله موضوع را بخوانیم در ذهن خودمان یا به شکلی دیگر، بعد بگوئیم به عنوان مثال و مثال را بگوئیم ببینیم آیا این مثالی برای آن هست و ذهن ارتباط برقرار می کند یا نه

ص ۴۶

* مثال آوری، یکی از رایجترین شیوه های بسط فکر مرکزی یا پاراگراف است که در جمله موضوع بیان می شود. در این روش، نویسنده از یک یا چند مثال و یا داستانی کوتاه برای اثبات سخن خود بهره می گیرد. او به جای دلیل آوردن یا توضیح دادن، با بیان یک یا چند نمونه واقعی خواننده را مواجه با عمل می کند و به این ترتیب می تواند راحت تر سخن خود را به او بقبولاند برای آزمودن صحت روش مثال آوری میتوان از کلماتی «مثلاً»، «به عنوان مثال»، «به عنوان نمونه» یا مانند آن استفاده کرد.

- مثال ها را به لحاظ حجمی می توان به سه دسته کلی تقسیم کرد (کمیت) مثال های کوتاه- مبسوط- روایی

مثال های روایی از جنس کاملاً متفاوت است. ولی به علت فشردگی بحث به عنوان زیر مجموعه مثال آورده شده است.

اگر بخواهیم دقیق به مثالها نگاه کنیم. کوتاهترین مثال در حد یک کلمه است. مثلاً می گوئیم: گل‌های آپارتمانی زیادی مانند کاکتوس - متفکران زیادی بعد از دوره انقلاب چنین کرده اند از جمله شهید مطهری - اما گاهی مثال ها توضیح داده می شوند مثلاً در نیم جمله یا با یک

عبارت توضیح می دهیم بعضی ها را در حد یک جمله کامل و بعضی هارا با دو یا سه جمله توضیح می دهیم.

اگر شما در یک پاراگراف که از جملات موضوع مختلفی تشکیل شده است حداقل از دو مثال که حتی با چندین جمله بسط داده شده اند آن پاراگراف را بسط بدهیم. به آن پاراگراف گفته می شود با مثال های کوتاه بسط پیدا کرده است.

ملاک ها تعداد مثال است. اگر یک مثال باشد و آن یک مثال کامل توضیح داده شود می شود مثال مبسوط.

• بسط جمله موضوع با مثال های کوتاه

نمونه: موضوع اصلی فیلم های اصغر فرهادی، وجود بی اخلاقی به ویژه دروغ در جامعه ایران و آثار و پیامد های فردی و اجتماعی آن است.* تم اصلی فیلم «چهارشنبه سوری» درباره رابطه پنهانی و مخفیانه مردی با زن همسایه و دروغ های پی در پی وی در مقابل شک همسرش است.* یک مثال: بیماری عصبی زن خانه و وضعیت نا بهنجار خانواده و استرس فوق العاده مرد داستان در اثر این پنهان کاری و دروغ ها است که البته سرانجام به دادخواست طلاق و جدای ختم می گردد.

همچنین، در فیلم «درباره الی» دروغ های بیشتری را می بینیم که از اول تا آخر فیلم به دلایل مختلفی به هم دروغ می گویند. دروغ الی به مادرش، دروغ های گلشیفته فراهانی به همسرش و بقیه گروه، دروغ های شهاب حسینی به دیگران، دروغ به زن صاحب ویلا، دروغ نامزد الی به بقیه، دروغ دسته جمعی به نامزد الی و... اوضاع وحشتناک تری را ترسیم می کند

که البته اثر آن درگیری های شدید، دلخوری، خراب شدن سفر و ازهمه مهمتر مرگ یک انسان است و بالاخره فرهادی در فیلم «جدایی نادر از سیمین» به ما گوشزد می کند که چگونه در بزنگاه ها و به خطر افتادن منافع شخصی و خانوادگی، روی ارزش های اخلاقی دینی و فرهنگی پا می گذاریم و تمام سعی خود را انجام می دهیم تا آن را برای خود و دیگران توجیه کنیم. (کریمی)

توضیحات: محتوای جمله اول طوری است که مثال را می طلبد جوری هست که شما می گوئید کدام فیلم منظور است؟ یعنی بعضی جملات موضوع را وقتی می نویسیم کاملاً مشخص است که به چه روشی باید بسط داده شود. یک فیلم را در یک جمله کامل به عنوان مثال آورده است و این می شود مثال اول در ادامه فیلم را توضیح می دهد (چهارشنبه سوری) با همچنین به سمت مثال دیگر می رود.

دروغ های که مثال می زند پشتیبان فرعی است. خود فیلم را که مثال زده مثال اصلی است با کلمه بالاخره نشان می دهد میخواهد آخرین مثال را بزند.

در این نمونه سه مثال اصلی داریم که هر کدام در یک جمله پشتیبان اصلی بسط داده شده اند بعضی ها با فرعی ها توضیح داده شده اند و بعضی ها با فرعی توضیح داده نشده اند. مثال ها را توصیف می کند. وقتی یک فیلم را به عنوان نمونه می آورد آن نمونه را توصیف می کند یعنی مثال همان توصیف است ← توصیف یک نمونه خاص

مثال یعنی مفاهیم کلی داریم که در جهان خارج نمونه های عینی متعددی دارد.

و ما از بین نمونه های عینی متعدد آن را که نمادین تر است و مخاطب با آن آشناست و با آن ارتباط برقرار می کند به عنوان مثال می آوریم تا یک چیز را به مخاطب بفهمانیم و بقبولانیم.

نمونه ای دیگر: دوتا مثال در یک پاراگراف

*رابطه قدرت میان جوامع انسانی سبب می شود، زبان جوامع فرادست واژه ها، اصطلاحات

و صورت های بیانی خود را بر زبان جوامع فرودست تحمیل کند.* در حوزه ی تمدن ایرانی-

اسلامی، چیرگی اعراب بر ایرانیان، سبب شد تا زبان عربی به عنوان به عنوان زبان اسلامی و

سپس زبان علمی و فرهنگی بر زبان فارسی برتری یابد. از این طریق هزاران واژه عربی و

همچنین صورت های بیانی آن به فارسی راه یافت: تا جایی که سبب فرادستی زبان عربی و

واژگان علمی، فلسفی، فقهی، کلامی و عرفانی آن سهمی قابل توجه ایفا کردند. آنها اکثر

واژگان مورد نیاز خود را نیز در این زمینه ها از زبان عربی وام گرفتند. همچنین در دوره معاصر،

بسط قدرت جهانگیر تمدن جدید غرب، ایرانیان را متوجه این امر کرد که دیگر زبان فارسی

بدون وام گیری و جذب مفاهیم و اصطلاحات زبان مدرن غرب، نمی تواند میاندار ما و تمدن

جدید غرب باشد. از این رو، از زمان مشروطه، وام گیری گسترده زبان فارسی از زبان مدرن

غربی آغاز شد و ما امروز با هزاران واژه ی وام گرفته از زبان عربی در حوزه ی زندگی زورمره

تا قلمرو تخصصی گوناگون روبرو هستیم.

توضیحات: نمادین بودن مثال تأکید می شود. ما میتوانیم دوره ای را مثال بزنیم که ژاپن بر کره

مسلط شد و اصطلاحات ژاپنی وارد کره شد، اما مخاطب ایرانی با این مثال رابطه برقرار نمی

کند. می توانیم از آمریکای لاتین مثال بزنیم. مثالی که انتخاب می کنیم باید طوری باشد که

مخاطب با آن آشنا باشد و قریب به ذهن باشد. در این مثال برای مخاطب ایران تسلط اعراب بر

ایران و دیگر فرهنگ غرب و تأثیری که به لحاظ زبان بر ایران داشته به عنوان مثال آورده است. جمله نتیجه گیری ندارد. با دومثال کار را تمام کرده است.

• بسط جمله موضوع با مثال مبسوط:

اگر در پاراگراف فقط یک مثال بزنیم ولی مثال طوری باشد که نیاز باشد ابعاد مثال تشریح شود می شود مثال مبسوط

نمونه:

جمله موضوع *باید به این نکته توجه داشت که به هنگام جانشینی معنایی، یک دال علاوه بر مدلول اولیه خود، به مدلول دیگری نیز پیوند می خورد.* به عبارت ساده تر، فرض کنید نشانه ی «کنه» از پیوند «کنه» به مدلول «کنه» پدید آمده باشد: و نشانه ی «آدم سمج» نیز به همین ترتیب، از پیوند دال و مدلول آدم سمج تشکیل شده باشد. در چنین شرایطی، دال «کنه» علاوه بر مدلول «کنه» به مدلول «آدم سمج» پیوند خواهد خورد و در نتیجه، واژه «کنه» از دو معنی برخوردار خواهد شد. به همین دلیل است که جانشینی معنایی و به ویژه استعاره یکی از مهم ترین عوامل پیدایش چند معنایی به حساب می آید.

توضیحات:

این مثال بحثی در معنا شناسی است که چطور می شود یک واژه دو معنا پیدا می کند مثلاً «کنه» هم معنی یک حشره است و هم معنی آدمی که به کسی چسبیده است یعنی پيله کرده است.

این مثال واحد است ولی لازم است مثال باز شود و کامل توضیح داده شود تا جمله موضوع ها اثبات شود. به همین دلیل به این مثال ها نیاز به توضیح دارد و کل پاراگراف را اشغال می کند مثال مبسوط می گویند.

نمونه ای دیگر:

مثال روایی از جنس دیگری است در واقع داستان است. گاهی اوقات داستانی که در حوزه های علمی که کار می کنیم بشود در ۵ تا ۶ جمله آن را جمع کرد نه داستان خیلی طولانی. داستانی که طولانی باشد باید در حوزه داستان و رمان بررسی شود.

آنچه پشتیبان مدعای ماست پیامی است که از کلیت داستان برداشت می شود. بنابراین این جا یک پشتیبان بیشتر نداریم. این جا پشتیبان اصلی و فرعی معنا ندارد. برای اینکه کلیت آن داستان یک پشتیبان واحد بیشتر نیست.

نمونه برای مثال روایی:

جمله موضوع *یکی از اصول تبلیغی و تربیتی در سیره پیامبر گرامی صلی الله علیه و اله وسلم، نرمش در مسائل شخصی و صلابت در مسائل اصولی و بنیادی است. * روزی پیامبر صلی الله علیه و اله وسلم در حالی که روانه مسجد بود با فردی مواجه می شود که ادعای طلبی از او داشت. پیامبر صلی الله علیه و اله وسلم فرمود: تو از من طلبی نداری، به علاوه پولی به همراهم نیست. شخص بر ادعای خود صرار می ورزید و مانع حرکت پیامبر صلی الله علیه و اله وسلم می شد، هرچه پیامبر صلی الله علیه و اله وسلم بیشتر مدارا می کرد، او بیشتر خشونت می ورزید تا آنجا که با پیامبر صلی الله علیه و اله وسلم گلاویز شد و ردای حضرت را به دور

گردنش پیچید و کشید که اثر قرمزیش در گردن پیامبر صلی الله علیه و اله وسلم ظاهر شد. با تأخیر پیامبر صلی الله علیه و اله وسلم ، اصحاب نگران شده متوجه می شوند فردی یهودی چنین ادعایی دارد. آنها خواستند خشونت به خرج دهند که پیامبر صلی الله علیه و اله وسلم مانع شدند و آنقدر نرمش نشان داد که آن فرد مسلمان گشت. در مقابل این نرمش، وقتی که زنی از اشراف قریش دزدی کرده بود و وساطت ها برای عدم اجرای حد شروع شد پیامبر صلی الله علیه و اله وسلم فرمود: محال و ممتنع است که من قانون اسام را تعطیل کنم.

توضیحات:

جمله موضوع مرکب است یعنی از یک جهت عنوان می کند پیامبر صلی الله علیه و اله وسلم نرمش دارد و از یک جهت می گوید صلابت دارد هر دو باید توضیح داده شوند. بعد اول شخصیت پیامبر با یک داستان گفته شده و بعد دیگر را با داستانی دیگر بیان می کند. چون دو بعد موضوع در مقابل هم هستند با عبارت « در مقابل این نرمش » بعد دیگر را توضیح داده. داستان طوری است که می توان مطلب را با آن شروع کرد.

• جمله موضوع

به جای اینکه در ابتدای پاراگراف جمله موضوع بیاوریم و بعد یک داستان بیاوریم می توانیم برعکس عمل کنیم داستان طوری است که می توان با آن مطلب را شروع کرد. شما از همان ابتدا می توانید این جوری شروع کنید : روزی پیامبر صلی الله علیه و اله وسلم در حالیکه روانه مسجد بود با فردی مواجه می شود.

به خودی خود داستان جذابیتی دارد که می شود متن را با آن شروع کرد. اینجا اتفاقی که می افتد این است که شما می توانید جمله موضوع را با جمله نتیجه گیری منطبق کنید و پاراگراف برعکس می شود این جا موردی است که اول پشتیبان می آید بعد نتیجه گیری و جمله موضوع یکجا در انتها می آید. به این می گویند پاراگراف تطبیقی.

• ویژگی‌های نگارش علمی:

۱. ساخت مند بودن

۲. صراحت داشتن

۳. منطبق با روش صحیح تحقیق باشد. یعنی چارچوب نظری و روش تحقیق علمی مشخص باشد.

۴. رویکرد تحلیلی داشته باشد.

۵. زبان علمی داشته باشد.

۶. کار خود را در یک بافت علمی قرار دهیم. یعنی نسبت کار خود را با پژوهش‌ها و کارهایی که پیش از این صورت گرفته است مشخص می‌کنیم و تصویری ارائه بدهیم که تاکنون چه کارهایی صورت گرفته است و دیگران چه گفته‌اند و حالا ما می‌خواهیم چه کار کنیم؟ می‌خواهیم آن‌را ادامه دهیم؟ نقد یکی از رویکردهای موجود هست؟

هدف از پاراگراف نویسی دو چیز است: ۱. ساختمان‌مند بودن ۲. رویکرد تحلیلی و انتقادی داشتن.

پاراگراف باید چه ساختاری داشته باشد؟

۱. حداقل سه یا چهار عنصر اساسی باید غالب شود.

غالب را با چه بیان و رویکردی باید پر کنیم؟ چگونه درون آن محتوا بریزیم؟ در واقع سوال اصلی این است که جمله موضوع را با چه روشی بسط دهیم؟ که هم منظم باشد زمانی که برای مخاطب بیان می‌کنیم هم اثرگذار باشد.

برای اینکه پاراگراف و نوشته رویکرد تحلیلی و انتقادی داشته باشد خود نویسنده باید فکر منظمی داشته باشد و اگر نویسنده افکار و اندیشه‌هایش را منظم نکرده باشد طبیعتاً در رفتار

دچار مشکل خواهد شد و یک نوشته‌ای حاصل خواهد شد که در آن اختشاش هست و منظور اصلی نویسنده به مخاطب منتقل نمی‌شود و برای رسیدن به این نتیجه از رویکرد و یا راهکارهای بلاغی استفاده کردیم که اولین این رویکردها توصیف بود.

توصیف بسیار مهم است و در واقع پایه نود درصد رویکرد و روش‌هایی است که در نگارش بکار مهم است و هفت نوع توصیف در متون علمی وجود دارد: ۱. ترکیب ۲. کار ویژه ۳. توصیف امر انتزاعی ۴. توصیف فرآیندها ۵. توصیف فرآیند طبیعی ۶. توصیف فرآیند دستوری یا دستورالعملی ۷. توصیف ویژگی‌های فیزیکی و شیمیایی

فرض کنید شما برای یک مفهومی چندین آیه در قرآن شاهد دارید: اگر هر کدام از این آیات را خیلی مختصر یک اشاره‌ای بکنیم در یک جمله و در یک سطح هم توضیح بدهیم و یک جمله پشتیبان فرعی هم توضیح بدهید و در کل پاراگراف چهار آیه را به عنوان شاهد مثال بیاورید و همان آیه را توضیح دهید و پنج، شش خط راجع با آن توضیح دهید و یکی از این مثال‌ها را باز کنید و بسط بدهید در غالب یک پاراگراف این می‌شود مثال مبسوط. و در مثال روایی باید داستان در آن باشد. مثلاً می‌گوییم روزی حضرت یونس داشت می‌رفت، او آدمی هست و پیامبری ...

در سنت ما تفکیک قائل نشده بین حدیث به معنی اینکه گفته مثلاً یکی از معصومین و یا سیره‌اش. در این جا وقتی می‌گوییم که روایت، منظور سیره معصومین است در واقع منظور روایت یک داستان است، در حدود ۵ یا ۶ خط است.

مثال روایی: ۱. گاهی اوقات در سخت‌ترین لحظه‌های زندگی فقط به یک نفر می‌توان اعتقاد کرد و در دل خود شک و تردید راه داد. صخره‌نوردی یک صخره بزرگ را برای بالا رفتن انتخاب می‌کند؛ طی مسیر صخره، به تاریکی شب می‌انجامد. در این هنگام پای وی از روی یکی از صخره‌ها سر می‌خورد و به سرعت به پایین سقوط می‌کند. ناگهان طنابش به تکه‌ای سنگ گیر می‌کند، همان لحظه احساس تنهایی مطلق بهاو چیره می‌شود و احساس می‌کند هیچ کمکی از کسی ساخته نیست. به ندای درون‌اش مراجعه می‌کند در درون خود صدایی را می‌یابد که به او می‌گوید: من خدای تو هستم و از تو محافظت خواهم کرد طناب را ببر، اما او نتوانست به ندای

درونی خویش اعتقاد کند چون عقلش می‌گفت اگر طناب را پاره کنی با سرعت بیشتری سقوط خواهی کرد. صبح کوهنورد را در حالی پیدا کردند که از شدت سرما یخ زده بود در حالیکه فاصله او از پایین صخره بیش از نیم متر نبود.

پاراگراف خوبی است زیرا در غالب جمله موضوع ادعای اصلی را بیان کرده و آن داستانی که آورده کاملاً مرتبط است با جمله موضوع.

۲ راه برای نوشتن پاراگرافی هست. روش اول: جمله + داستان پاراگراف مستقیم

روش دوم: داستان + جمله موضوع = برای شروع بحث مقاله علمی-پژوهشی کاربرد دارد.

مثال کوتاه: اشتغال زنان هر چند منع دینی و اجتماعی ندارد، اما یک با آسیب در ابعاد فردی و خانوادگی همراه است. برای مثال مجرد قطعی یا مجرد تا سنین بالا امری است که در میان زنان شاغل بیشتر به چشم می‌خورد و استقلال مالی یکی از این پدیده است. این موضوع صرف نظر از تبعات فردی، منجر به کاهش نرخ رشد جمعیت در جامعه نیز می‌شود همچنین، با توجه به ویژگی‌های روحی زن چالش‌هایی که در محیط کار یک خانم با آن مواجه است، می‌تواند خستگی روحی، جسمی و سردی ارتباط با خانواده را به دنبال بیاورد. در نتیجه تداوم این آثار سوء اختلال روابط زوجین و در نهایت جدایی را برای کانون خانواده به ارمغان می‌آورد.

دو مثال اصلی برای این آسیب‌ها ذکر شده است و مثال کوتاه هم در جملات پشتیبان آمده مثال مبسوط: عوامل دینی تاثیر بسزایی در حوزه معماری اسلامی در دوره صفویه داشته است. - گنبد یکی از نمادین‌ترین عناصر در معماری اسلامی است. گنبدهای ساخته شده در مساجد و بناهای تاریخی این دوره، حاکی از نوعی تعالی و رحمت وجود در معماری دینی است. شکل گنبدها به گونه‌ای است که هرچه به سمت بالای گنبد می‌رود بیانگر یکی شدن همه کثرات و وحدت آنها در قسمت انتهایی گنبد می‌باشد و به نوعی نفی لا اله و تمرکز بر توحید الهی است. هر گنبدی نیز چهار پایه دارد. این پایه مربع که موجب استواری بناست حاوی نوعی معنای رمزی است به این معنی که صورت هندسی مربع، نمود ثبات و استواری زمین است. - میان پایه مربع شکل و نیم دایره خود کنید. یک سلسله اشکال هندسی وجود دارد که نماینده

مساحت‌هایی از وجودند که میان قلمرو مادی و قلمرو روحانی جای دارند. نیم دایره‌ی گنبد نیز نمود فضای نامتناهی، جهان هستی و قلمرو روح است.

مثال کوتاه: انسان علاوه بر حس مشترک، خیال، حافظه، منصرفه دارای قوه واهمه است. این قوه غیر از عاقله می‌باشد. مطابق حکم قوه عاقله مرده قدرتی نداشته نمی‌تواند به انسان ضرری بزند. از این جهت نباید به او ترسی به دل داشت، اما قوه‌ی دیگری همواره به انسان القا می‌کند که تنها انسان مرده ترسناک است بلکه از مکانی که وی در آن دفن شده نیز باید گریزان بود. فلاسفه از این دوگانگی حکم در انسان، وجود قوه‌ای که مغایر با عقل است را نتیجه گرفتند و آن را واهمه نامیدند. همچنین انسان علاوه بر درک امور کلی مانند محبت، توانایی درک معانی جزئی، مانند محبت مادر را نیز دارد. از منظر حکماء عقل فقط امور کلی را درک می‌کند لذا باید قوه دیگری در انسان باشد که درک معانی جزئی است و آن را واهمه نامیدند. با توجه به مطالب فوق، مغایرت قوه عاقله و قوه‌ی واهمه بدست می‌آید.

مثال روایی: انسان مومن از لحاظ عقاید باید دارای دافعه و جاذبه باشد. در زمانیکه ایران از خود استقلال نداشت و در اختیار بیگانگان از جمله آمریکا بود، برخی خلبانان ایرانی به آمریکا فرستاده شدند در آن جا خلبانان از یک‌دیگر جدا شده و اتاق‌های دو یا چند نفره در اختیار آنان قرار گرفت. روزی یکی از این خلبانان برای دیدن دوست خلبانش به اتاق وی می‌رود. در آن جا با پدیده‌ی عجیبی روبه رو گردید، طناب نازکی وسط اتاق کشیده شده و آن را به دو قسمت تقسیم می‌کرد. تلاش فکری او برای پی بردن وجود طناب فایده‌ای نداشت. به ناچار از دوست خود فلسفه وجودی طناب را می‌پرسد. آن خلبان گفت: هم اتاقی من اهل مسکرات است و من اهل نماز، با توافق به واسطه این طناب اتاق را بین خودمان تقسیم کردیم. از این دیدار مدت‌ها گذشت تا اینکه همین خلبان مجدداً به دیدن دوست خود به اتاقش می‌رود اما این بار از طناب خبری نبود وقتی علت برداشتن طناب را می‌پرسد، به او می‌گوید: هم اتاقی من هم نماز می‌خواند و مسکرات را رها کرده است لذا نیازی به طناب نیست. این خلبان با نصب طناب نازک دافعه را از خود نشان داد و با وسعت دید خود انسانی را به سوی دستورات اسلام جذب نمود.

مثال بسط پاراگراف با مثال کوتاه: تلخیص با بازنویسی و بازنویسی متفاوت است. باز نویسی برگرداندن متون کهن به نثر و عبارت است بی آنکه مفهوم و محتوا دگرگون شود. در بازآفرینی محتوا و سوژه کهن تبدیل به اثری جدید می شود که با اصل متفاوت است.

بازنویسی مثل تعمیرات اساسی در یک خانه است اما بازآفرینی کوبیدن بنا و از نو ساختن است که چه بسا نقشه ساختمان و کیفیت و چهارچوب اولیه هم به هم می خورد. در خلاصه نویسی نه پیام عوض می شود نه قالب و نه محتوا و نه بهتر ساختن سبک نگارش برخلاف بازنویسی که اغلب به خاطر ضعف قلمی اثر نخستین است یا نامناسب بودن آن با شیوهی امروزی. خلاصه نویسی اغلب برای استفاده بهتر از فرصت و زمان است. اما در بازنویسی هدف مهم تر ارائه اثری متناسب با نیاز و ضرورت های جدید فرهنگی و ادبی است. همچنین در بازآفرینی محتوا و اندیشه اثر تغییر می یابد و اندیشه نو به جای آن می نشاند. البته در اثر جدید رگه ها و نشانه هایی از اثر قبلی وجود دارد.

-مثال شخصی زده نشده و بیش تر از استعاره و ... استفاده شده است.

-مثال بسط پاراگراف با مثال روایی: نمی توان تمام صحابه پیامبر (ص) باتقوی و عادل دانست. در تاریخ اسلام آمده است در جنگ احد افرادی تپه تیراندازان را خالی کردند و یا در لحظه های حساس از کوه احد بالا رفتند و ندای پیامبر را نادیده گرفتند. از همان اصحاب پیامبر گرامی بودند. «واقدی» تاریخ نگار بزرگ اسلام می نویسد: روز احد هشت نفر با پیامبر تا سر حد بذل جان بیعت کردند. ۳ تن از مهاجر (حضرت علی، طلحه، زبیر) و پنج نفر از اعضا بودند. جز این هشت نفر همگی در لحظه خطرناک پا به فرار گذاشتند. «ابن ابی حدید» می نویسد: در مجلسی در سال ۶۰۸ در بغداد کتاب مغازی واقدی را نزد دانشمند بزرگ محمد بن معد علدی می خواندم. - هنگامی که مطلب با این نقطه رسید که: محمد بن مسلمه که صریحا نقل می کند: من در روز احد با چشم های خودم دیدم که مسلمانان از کوه بالا می رفتند و پیامبر آنها را به اسم های مخصوص صدا می زد و می فرمود: الی یا فلان الی یا فلان و هیچ کس به ندای رسول خدا جواب مثبت نمی داد. استاد به من گفت منظور از فلان و فلان همان کسانی هستند که پس از پیامبر

مقام و منصب بدست آوردند. پس واضح است که نمی‌توان به مجرد مصاحبت با پیامبر عامل عادل بودن دانست.

-علائم نگارشی را باید رعایت کرد.

گسترش پاراگراف با نمونه‌های کوتاه: قبول نظریه‌ی جزیره خضراء توسط برخی از بزرگان شیعی می‌تواند گواهی بر استواری آن باشد. وحید بهبهانی (د-۲۰۶ق) در حاشیه مدارک الاحکام به این داستان استناد کرده و بر طبق آن فتوا داده است. همسویی پیشوای اصولین که معروف به استاد اکبر نیز بود را می‌توان گواهی ارزشمند بردرستی این نظریه دانست.

نمونه دیگر آیت الله بحر العلوم (د-۱۲۱۲ق) است که در کتاب رجالی هنگام گفت و گو از سید مرتضی به این داستان استناد می‌کند. تایید ایشان که خود از تشرف یافتگان به محضر امام زمان می‌باشد در این باره می‌تواند بسی گران‌مایه باشد. از دیگر نمونه‌ها می‌توان به شیخ اسدالله شوشتری (د-۱۲۳۷ق) اشاره کرد که در کتاب مقابس الانوار بر پایه این داستان به اثبات رویت امام زمان در زمان غیبت استدلال کرده است. هم‌نوایی این شاگرد برجسته کاشف‌الغطا و جانشین در مرجعیت در این باره را نمی‌توان به آسانی ندیده گرفت. همراهی برخی از بزرگان اصول و فقه شیعه، خلل ناپذیر بودن جزیره خضراء را روشن‌تر می‌نماید.

-عناوین کتاب اگر در متن باشد ایتالیک می‌شود و در گیومه قرار می‌گیرد.

مثال گسترش پاراگراف با نمونه روایی: هنگامیکه دوره‌گردی شیرینی انگورهایش را به رخ دیگران می‌کشید به او نزدیک شدم. برای اطمینان از آن‌چه می‌گفت از او اجازه خواستم تا یک دانه از انگورهایش را بخورم. او برای لحظاتی سکوت کرد و با تعجب به من نگریست گویی دوست نداشت یک دانه از انگورهایش، مفت از چنگش بیرون رود! من نیز در دلم به بخل او غصه خوردم. پس از لختی اجازه داد. با اکراه یکی دو دانه برداشته و چون شیرین بودند دو سه کیلویی خریده و به خانه بردم ولی تا غروب ذهنم درگیر خسیس بودن او شده بود. بانگ اذان مغرب بلند شد و من مشغول وضو بودم که ناگهان متوجه شدم که امروز روز دهم ماه رمضان است و

آن مرد از روزه‌خواری یک روحانی در کوچه شگفت زده شده بود! پس دانستم نباید زود به قضاوت دیگران نشست!

۳ روش بسط:

۱- توصیف

۲- مثال

۳- استدلال

بسط پاراگراف با استدلال:

استدلال یکی از موثرترین روش‌ها برای اثبات فکر مرکزی پاراگراف است. قوت استدلال نشان دهنده‌ی منطق نهفته در اندیشه‌های نویسنده است. بنابراین باید بسیار با دقت به آن پرداخت. - استدلال انواع مختلفی دارد ولی در این جا فقط به دو نوع آن، استدلال استقرائی و استدلال قیاسی (استنتاجی) پرداخته می‌شود.

تفاوت علت و دلیل:

روابط علی و معلولی به اموری خارجی برمی‌گردد به چیزهایی که در جهان هستند مثل: اتفاقات و ... که بین آنها روابط علی و معلولی برقرار است. اما دلیل یک جور توجیه عقلانی است و تا حدی فردی حال اگر دلیل قوی باشد ممکن است دیگران بهتر بپذیرند و اگر ضعیف‌تر باشد کمتر می‌پذیرند. دلیل ممکن است که درست یا غلط باشد اما روابط علی و معلولی به جهان خارج برمی‌گردد. دلیل ذهنی است و بیرونی و خارجی بودن علت. در روابط روزانه و بطور معمول یک رابطه عموم و خصوص مطلق می‌شود یعنی ماهر علت را به عنوان دلیل هم گاهی بکار می‌گیریم. مثلاً: دلیل خراب شدن خانه، زلزله هست - علت خراب شدن خانه هم زلزله هست ولی برعکس نمی‌شود یعنی هر دلیلی لزوماً علت نیست بنابراین این را هم باید مورد توجه و دقت قرار داد.

اگر یک علت چند معلول به دنبال خود داشته باشد علت را در مقدمه پاراگراف می‌آوریم و بعد می‌گوییم مثلاً این علت چهار معلول دارد و درباره هر کدام توضیح می‌دهیم در هر پاراگرافی جدا. گاهی یک معلول را در مقدمه پاراگراف توضیح می‌دهیم و بعد علت‌ها را تک‌تک در پاراگراف‌های بعدی.

استدلال یعنی: دلیل آوردن نسبت به مثال و توصیف سخت‌تر است و تاثیرگذاری بیشتری دارد و برای کارهای جدی بیشتر به سراغ آن می‌رویم.

استدلال استقرائی:

استدلال استقرائی به گونه‌ای است که در آن نویسنده برای اثبات ادعای خود که در جمله موضوع بیان شده است، دلائلی را در قالب جمله‌های پشتیبان ذکر می‌کند این نوع پاراگراف از آن رو استقرائی نامیده می‌شود که برای اثبات درستی جمله موضوع (گزاره‌های کلی) از دلایلی که در جمله‌های پشتیبان ارائه می‌شود (گزاره‌های جزئی) استفاده می‌شود. در واقع از درستی جزء به درستی کل می‌رسیم و در یک حرکت از جز به کل در این جا وجود دارد.

برای آزمودن استدلال استقرائی از کلمه «زیرا» باید استفاده کرد.

جمله موضوع زیرا جمله پشتیبان اصلی ۱

جمله پشتیبان اصلی ۲

جمله پشتیبان اصلی ۳

جمله پشتیبان اصلی ۴

و ...

جمله موضوع گزاره‌های کلی ماهست و ما برای اثبات آن نیاز به دلایلی داریم.

مثال استدلال استقرائی: علی‌رغم این که تقریباً همه سیگاری‌ها از مضرات سیگار آگاهند ولی بسیاری از آنها همچنان به سیگار کشیدن ادامه می‌دهند. نیکوتین یکی از اعتیادآورترین مواد

مخدري است كه تاكنون شناخته شده است زيرا بسياري از افراد از ترياك، الكل يا هروئين شايد بتوانند راحت تر دست بکشند اما براي ترك سيگار بايد مدت ها مبارزه كنند هم چنين تصور غلطی وجود دارد كه سيگار كشيدن باعث تمدد اعصاب و رفع استرس و اضطراب به ويژه هنگام عصبانيت می شود. با اين حال تحقيقات نشان داده است كه اثر سيگار كشيدن بسيار کوتاه است و فرد بلافاصله احساس نياز بيش تري به سيگار خواهد كرد.

آزمون وحدت موضوعی:

ترك سيگار سخت است. زيرا: نيكوتين يكي از اعتيادآورترين مواد مخدري است كه تاكنون شناخته شده است.

ترك سيگار سخت است. زيرا: اين تصور غلط وجود دارد كه سيگار كشيدن باعث تمدد اعصاب می شود.

استدلال قیاسی:

مخاطب اصلی آثار ادبی فانتزی، کودکان و نوجوانان هستند. يك نویسنده ی فانتزی باید مطالعه کافی در روان شناسی و رفتارشناسی ايندوره سنی داشته باشد و با طرز فکر مخاطب خود آشنا باشد. همچنين او بايد بتواند در صورت ارائه الگوی رفتاری جديد آن را با فرهنگ محیط زندگی و يا ویژگی های فطری يك کودک يا نوجوان تطبیق دهد. در نهایت استفاده ی او از افسانه ها و اسطوره های عامیانه باد در راستای پرورش قدرت تفکر و تحليل خلاق کودک باشد، نه غوطه ور کردن وی در اوهام بی ثمر.

آزمون های وحدت موضوعی:

مخاطب اصلی آثار ادبی فانتزی، کودکان و نوجوانان هستند. در نتیجه يك نویسنده ی فانتزی باید مطالعه ی کافی در روان شناسی و رفتار شناسی این دوره ی سنی داشته باشد و با طرز فکر مخاطب خود آشنا باشد.

در نتیجه ۲: یک نویسنده باید بتواند در صورت ارائه الگوی رفتاری جدید آنرا با فرهنگ محیط زندگی و با ویژگی‌های فطری یک کودک یا نوجوان تطبیق دهد.

در نتیجه ۳: استفاده یک نویسنده فانتزی از افسانه‌ها و اسطوره‌های عامیانه باید در راستای پرورش قدرت تفکر و تخیل خلاق کودک باشد نه غوطه‌ور کردن وی در اوهام بی‌ثمر.

هر مقاله کوتاه در حد ۵-۴ پاراگراف چطور بنویسیم؟

سه روش توصیف (که انواعی در متون علمی داشت) - مثال و استدلال و استنتاج را توضیح دهیم و تمرین هایی که داریم در خصوص پاراگراف استدلال و استنتاجی است.

مثال برای استدلال استقرایی

انسان موجود دو بعدی است فلاسفه با بیش از ۷۰ دلیل عقلی ثابت کرده اند انسان علاوه بر بدن نفس مجردی نیز دارد. یکی از این ادله "ثبات من" است بدن انسان همواره تغییر و تحول پیدا می کند. در حالیکه بعد دیگری در انسان وجود دارد که از آن به "من" یا "خود" تغییر می کنند که همواره ثابت می باشد از آن تغییر و این ثبات جزء دو بعدی بدون انسان بدست نمی آید. همچنین ادله نقلی زیادی به بعد مادی و غیر مادی انسان اشاره می دارد به عنوان مثال، آیه "ثم استواء و نفخ فیه من روحی" (سجده/۹) و آیه "الله یتوفی الا نفس حین موتها" (زمر/۴۲) را می توان نام برد. در آخر شواهد تجربی، مانند احضار ارواح مردگان، خواب های صادقه، تله پاتی و دور جنینانی نیز بیانگر دو بعدی بودن انسان هستند. در نتیجه انسان به دلیل عقلی، نقلی و شواهد تجربی به دو بعدی است.

توضیح استاد:

در این جا در واقع سه دلیل آورده اید یک دلیل عقلی، یک دلیل نقلی و یک دلیل تجربی که اگر بخواهیم قسمت کنیم این جوری می شود که انسان موجودی دو بعدی است زیرا "من" همیشه ثابت است. بدن و صورتش تغییر می کند. آیه هم مشخص است. می شود گفت انسان موجودی دو بعدی است زیرا قرآن می فرماید: "ثم استواء و نفخ فیه من روحی" کاری به مخاطب نداریم باید خودمان بدانیم که این دلایل را برای اثبات موضوع می آوریم یا نه مخاطب هر تعبیری کرد دست خودش هست.

استنتاج

برخی انسان ها از خود بیگانه اند. انسان از خود بیگانه به ماده اصالت داده رابطه خود را با خدا قطع می کند و با نگاه انحصاری به ماده از محدوده حواس ظاهری خارج نمی گردد. به علاوه وی حقیقت خود را فراموش نموده، شرافت و کرامت انسان را از بین می برد و با از دست دادن عزت نفس هر عمل زشت و قبیحی را انجام داده هر هویتی را می پذیرد. نهایتاً او از زندگی جز تغذیه، تنقیه و تولید مثل تصور دیگری نداشته با طغیان و سرکشی در برابر حق تعالی از مرتبه انسانیت به مرتبه حیوانیت تنزل می نماید. در نتیجه اصالت دادن به ماده، از دست دادن عزت نفس و تنزل به مرتبه حیوانیت را می توان از نتایج از خود بیگانگی و الیناسیون دانست.

توضیح استاد:

خیلی خوب بود. تأکید آخر یک جور خلاصه بود.

استدلال استقرایی

بر پایه گواهان بسیار، هیچ اندیشمند مسلمانی نظریه تحریف قرآن را نمی تواند بپذیرد. قرآن آخرین کتاب آسمانی است و تحریف در آن مستلزم ایجاد خلل و رخنه در هدایت و به سعادت رسیدن انسان است و این چیزی نیست مگر نقض عرض! همه متکلمان بر این باورند که کنش های ناهمسو با غرض از خداوند حکیم صادر نمی شود. آیه ۹ از سوره حجر آشکارا هر گونه تحریفی را از ساحت قرآن دور کرده و می فرماید: "ما قرآن را نازل کردیم و خود از او نگهداری می کنیم".

روشن است هنگامی که خداوند برای جلوگیری از تحریف تضمین می دهد به هیچ نیروی دیگری توانایی رویارویی با او را ندارد. (نظم و سیاق میان آیات قرآن، چنان در هم تنیدگی در این نوشتار ایجاد کرده است که کمترین تغییری در آن چنان صحیفه ای آسمانی است). نوشتن کتاب تناسب آیات توسط آیت الله معرفت را می توان در همین راستا تفسیر نمود.

توضیح استاد:

چند تا دلیل آورده اید؟ چون مسلمانان است این دلایل دلیل می شود. این دلایل مشروط به چیزهای مختلفی است. مسلمان را برداریم برای غیر مسلمان الزامی نیست. آیه ۹، آیه یک رقمی را با حروف و اعداد دو رقمی به بالا با عدد نوشته شود.

سه تا دلیل: زیرا قرآن کتاب آسمانی است و تحریف در آن بقیه ابعاد را دچار مشکل می کند. یک دلیل از قرآن (آیه ۹).

استدلال قیاسی

بر پایه گواهان بسیار، هیچ اندیشمند مسلمانی نظریه تحریف قرآن را نمی تواند بپذیرد. پس، قرآن می تواند به عنوان بهترین شاخص و حکم برای شناخت حق یا ناحق بودن باورهای کلامی و فقهی فرقه های اسلامی مورد بهره وری قرار گیرد. دیگر اینکه برگرداندن احادیث پیشوایان دینی به قرآن برای بازشناسی احادیث ساختگی باید در دستور کار قرار گیرد. (احادیث مجعولی که همه حدیث شناسان در بودن و کثرت آنان هیچ اختلافی ندارند این احادیث برخی حدیث شناسان به نام شیعه و سنی را بر آن داشت تا کتاب های مستقل در این باره بنویسند)، سرانجام قرآن می تواند به عنوان نسخه ای بی بدیل برای دریافت آخرین پیام الهی مورد توجه جهانیان باشد هنگامی که شریعت از نبودن قانونی فراگیر از درد به خود می پیچد این پیام می تواند مرهمی بر درد او باشد.

توضیح استاد:

عبارت داخل پرانتز باید ترکیب شود همه هیچ اختلافی ندارند ادامه می خواهد.

استدلال قیاسی

بی اعتمادی مطلق به قدرتهای سلطه گر از اصول بنیادی انقلاب اسلامی است. قدرتهای مستکبری که در طول سالهای متمادی چهره مداخله جویانه خود را برای مردم ما آشکار نموده اند هیچگاه نمی توانند به عرصه جهانی قدرت نرم جمهوری اسلامی را تحمل کنند. استکبار همواره با ندیده گرفتن حقوق ملت ها بر مشی سلطه گری و مداخله جویی درخواست ملت ها

پای فشرده است. فرصت طلبی و فریب کاری از ویژگی های دولت مستکبر است هر روز در شکلی دشمنی خود را بر ملا می کند. گاهی در پس چهره خندان او با ما سخن از مذاکره کرده و از سومی در دادگاه بدون ارائه هیچ سند معتبر حکم به مصادره و تصرف چند میلیارد دلال از اموال ملت ایران می کند و گاهی در نقاب ترامپ با چهره یک رئیس جمهور قلدر و عصبانی به حرمت یک ملت اهانت می کند و سیاست مداخله جویی خود را در منطقه به تصویر می کشد.

توضیح استاد:

به نظر می آید چیزهایی که فرمودید دلیلی برای این بی اعتمادی باشد. قیاسی نمی شود. استدلالی می شود. اگر قیاسی بخواهد باشد باید گفت در نتیجه قدرتهای مستکبر که نمی شود. این پاراگراف نوشته خوبی است ولی نه به عنوان استدلال قیاسی.

استدلال قیاسی

مخاطب اصلی سبک زندگی غربی افرادی هستند که در جوامع غربی زندگی می کنند، زیرا "محیط زندگی" یکی از عوامل تعیین کننده ی نوع سبک زندگی است در نتیجه سبک زندگی جامعه های دیگر، چالش هایی در زندگی افرادی که آن را سبک پذیرفتند ایجاد خواهد نمود. این موضوع در جوامع اسلامی شدت بیشتری دارد. چرا که در سبک زندگی اسلامی آموزه های این دین، رفتارها و کنش های افراد را جهت دهی می کند در نتیجه اگر در سبک زندگی اسلامی، دیدگاهی از دیگر سبک ها، مانند غرب، وارد شود آسیب های جبران ناپذیری را به همراه دارد. به عنوان مثال، امروزه نفوذ مفاهیمی همچون: لیبرالیسم، سکولاریسم، فمینیسم و که کاملاً در آموزه های اسلامی است، سبک زندگی اسلامی ایرانی را با مشکلات متعددی مواجه نموده است. بنابراین سبک زندگی هر جامعه ای مخصوص همان اجتماع است و نمی توان در جوامع دیگر هم به همان سبک از آن بهره گیری نمود.

جمله اصلی کدام است چون این زیرها را نباید در جمله موضوع آورد.

جمله موضوع را فقط به بیان ادعا اختصاص دهید و در آن دلیل و مثال نیاورید- دلیل ها- مثال ها و شواهد را باید در پشتیبان آورد. به جای در نتیجه همچنین بگذاریم بهتر است.

استدلال استقرایی

اختیار انسان در هدایت و ضلالت او تأثیر دارد خداوند انسان را با قدرت اراده و اختیار مظهر قدرت و اراده خود کرده است. انسان از راه عبادی اختیاری سعادت‌مند می‌شود یا با سود اختیار از اشیاء می‌گردد زیرا اگر انسان فاقد اختیار باشد و مجبور فرض شود

دلیل اول: دیگر راهی برای گزینش خوب از بد برایش نمی‌ماند و اینکه او به مثابه یک عروسک خیمه شب بازی می‌ماند که قدرت و اختیار هیچ کاری را ندارد و دستش بسته است و همچنین خداوند حکیم انسان را مکلف آفرید و او را در برابر کارهایش کیفر و پاداش می‌دهد.

و دلیل دوم: مجبور بودن انسان با حکمت الهی منافات دارد. زیرا در صورت جبر، تکلیف و عقاب و پاداش معنایی ندارد با این حال از دیدگاه علما امامیه انسان در اعمال خود اختیار دارد بنابراین هدایت انسان بر اثر حسن اختیار خود و گمراهی و اضلالشان نیز بر اثر سوء اختیارشان می‌باشد. زیرا باید برداشته شود - شما برای اثبات اینکه انسان اختیار دارد، اختیار انسان در ضلالت و هدایتش تأثیر دارد چند دلیل آورده اند؟ (چرا اختیار انسان در هدایت و ضلالتش تأثیر دارد؟).

استدلال قیاسی

هدایت تکوینی خداوند همان رساندن موجود ناقص به کمال مطلوب و در خود اوست این نوع هدایت، به عام و ابتدایی یا خاص و پاداشی تقسیم می‌شود. (توضیح استاد: این الان نتیجه نیست، توضیح هست. اگر موضوع پذیرش انسان است بعد نتیجه پذیرش، پذیرش باید در جمله موضوع آورده شود. باید تست شود که می‌شود نتیجه را گرفت یا نه).

در هدایت تکوینی عام خداوند همه موجودات و مخلوقات خود را هدایت می‌کند، این هدایت شامل همه موجودات اعم از جمادات، گیاهان، حیوانات، جن و انس و فرشتگان می‌شود و هیچ مخلوق و موجودی نیست که از این هدایت گسترده محروم باشد اما هدایت تکوینی خاص یا پاداش به معنای "ایصال به مطلوب است نصیب کسانی می‌شود که با حسن اختیار خود هدایت ابتدایی خداوند را پذیرفته و به معارف الهی که از جانب او تشریع شده عمل کند و در ادامه راه رسیدن به سعادت خداوند به او توفیقی می‌دهد تا بقیه راه را به آسانی بپیماید و این توفیق

نتیجه عمل اوست بنابراین هدایت الهی به هدایت ابتدایی که فراگیر و همگانی و به هدایت پاداشی که مخصوص افراد و گروه های خاصی است تقسیم می شود.

استدلال استقرایی

ره آوردهای بینش توحیدی

جمله موضوع

هیچ متفکر طالب حقیقتی بدون اعتقاد توحیدی نمی تواند واقعیت خود و جهان اطراف خود را بشناسد (چون پشتیبان اصلی است) زیرا می خواهد بدون شناخت مبدأ نگاه انسان به جهان ناقص است زیرا نه برای وجود خود هدفی در نظر دارد و نه برای جهان پیرامون خود.

شناخت و اعتقاد به وجدانیت مبدأ مهمترین عامل ارزش گذاری زندگی است. انسان موحد هرگز در مسیر زندگی جاهلانه با خود رفتار نمی کند مقام و منزلت خود را در عالم طبیعت می یابد. به فقر و نیاز خود آگاه است و از قدم گذاشتن در ورطه هلاکت دوری می کند. می توان گفت با اعتقاد و باور توحیدی اخلاق و فرهنگ جامعه انسانی متعالی خواهد شد؛ زیرا موحد همواره عالم را هدفمند دانسته و برای هر ذره عالم حساب قائل است. موحد ظالم نخواهد بود و خود نیز در پرتو بینش توحیدی به وادی امن الهی قدم خواهد گذاشت و از هر حزن و هراسی در امان خواهد بود.

توضیح استاد:

زیراهایی که به این صورت می آید یعنی یک نوع پشتیبان فرعی است. جمله ای که زیرا دارد جمله قبل از آن نمی تواند نقطه داشته باشد و ارتباطش با جمله قبل قطع شود. نقطه ویرگول گذاشته شود یا بگذاریم. زیرا مثل که هست که به کلمه قبل از خود می چسبد.

جمله موضوع را باید نقطه بگذاریم تمام شود.

اگر مخاطب جمله موضوع را بپذیرد بعد بخواهیم ببینیم این پذیرش چه نتایجی دارد می شود استدلال استنتاجی و اگر نیاز به دلیل دارد می شود استقرایی.

می توانیم یک چرا برای جمله موضوع بگذاریم و جواب هایی که به ذهن می رسد تک تک بنویسیم و پشت سر هم بیاوریم.

استدلال استقرایی

علی رغم اینکه مسلمانان به خصوص قشر مذهبی جامعه ایران با آیات قرآن آشنا هستند و سعی در تطابق دستورالعمل های آن با عملکرد خود دارند اما امروزه در برخی موارد از جمله در بحث "قوامیت مرد" که ذیل آیه ۳۴ سوره نساء "الرجال قوامون علی النساء" بدان اشاره، اشاره عملکرد زبان مسلمان ایرانی مطابق قرآن نبوده و به گونه ای اقتدار مرد را تضعیف می کند. احساس ضرورت حضور زنان در عرصه اجتماع، یکی از عللی است که منجر به این مسئله می شود همچنین فراگیری و دفاع برخی از افراد از شعار "برابری حقوق زن و مرد" موجب خدشه دار شدن اقتدار مرد در خانواده و اجتماع می شود علاوه بر این، اشتغال و استقلال مالی زنان مسلمان جامعه ی ایران باعث بروز رفتارهای متعارض ایشان با حکم الهی بر مبنای "اقتدار مرد" می گردد بنابراین امروزه شاهد عملکردهای متعارض زنان مسلمان با آیات قرآن می باشیم.

خلاصه ادعا این است که عملکرد زنان مطابق قرآن نیست. علی رغم را باید بگذاریم کنار. اگر موضوع این باشد چون استدلال استقرایی است باید بگوئید چرا عملکرد زنان مطابق قرآن نیست. استقرا در مسیر صدق موضوع است یعنی صدق موضوع را از کجا ثابت می کنیم. برای تعیین ارتباط با موضوع یا باید در نتیجه به آن بخورد یا زیرا.

استدلال استقرایی یعنی یک گزاره اثبات نشده با توجه به شناختی از مخاطب دارید در قالب جمله موضوع بیاورید بعد جمله های پشتیبان را برای اثبات آن بیاورید. بعد از تضعیف می کند باید دلیل آورد که چرا زنان به دستور قرآن عمل نمی کنند. در قیاسی باید نتیجه بگیرید. چگونه حضور زنان در اجتماع علل عمل نکردن به قرآن است؟

دو نکته: تا بتوانیم برسیم نتایج این چند جلسه را در قالب مقاله برسانیم.

قبل از توضیح مقاله این نکته را بگوییم که هر چند ما می توانیم به تنهایی مثال بزنیم یک پاراگراف را بر اساس مثال یا توصیف یا استدلال بنویسیم اما به طور معمول همیشه این کار را

نمی‌کنیم به طور معمول ترکیب می‌کنیم گاهی شاید در انواع توصیف فرایند یک پاراگراف اگر بحث مثال باشد و مخصوصا اگر استدلال باشد ما اگر سه تا دلیل داریم برای اثبات همه را در یک پاراگراف خرج کنیم چون دلیل راحت گیر نمی‌آید دلیل فکر کردن عمیق می‌خواهد. اگر ما سه تا دلیل برای اثبات چیزی گیر آوردیم اگر همه را سریع در یک پاراگراف خرج کنیم در واقع خود را خلع سلاح کرده ایم و دلایل‌ها اثرگذاری لازم را روی مخاطب نخواهد داشت بنابراین بهترین کار این است که ترکیب که ترکیب کنیم اگر یک دلیل داریم، یک دلیل را با یک کم مثال با یک کم توصیف ترکیب کنیم در یک پاراگراف بیاوریم بعد دلیل دیگر را در یک پاراگراف دیگر بیاوریم با جملات پشتیبان فرعی بسط دهیم و الی آخر یعنی سه دلیل را در سه پاراگراف بیاوریم تا خوب جا بیفتد.

به چه روشهایی می‌شود مدلهای مختلف را با هم ترکیب کرد؟

به سلیقه شما بستگی دارد هر چند الگوهای مختلف وجود داشته باشد اما اجباری نیست. شما می‌توانید متناسب سیاق متن‌تان و موضوع به شکلهای مختلف مرتب کنید منظوم این است که آیا باید اول دلیل بیاید، بعد مثال، بعد توصیف یا دلیل در آخر بیاید این ترتیب را خودتان می‌توانید منظم کنید. موضوع همیشه اول می‌آید. ولی در وسط که قرار است از مثال و توصیف را استنتاج کنیم ترتیب دست خودتان هست.

ترکیب روشهای اصلی بسط پاراگراف

نهضت ترجمه در قرون نخستین تمدن اسلامی تأثیر فراوانی بر رشد دانش در این تمدن داشت. تمام نویسندگان بزرگ اسلامی به ویژه فلاسفه، در تدوین آثار مهم خود به گونه ای گسترده از علوم اوائل، که از راه ترجمه به آنها منتقل شده بود، بهره بردند. محمد بن زکریای رازی، ابونصر فارابی، ابن مقفع و ابن سینا از جمله خردمندانی هستند که علاوه بر تأثیرپذیری از علم و حکمت یونان، در جهت غنی تر کردن این دانش‌ها بسیار کوشیدند. علت این تعامل این بوده است که مسلمانان و به طور خاص شیعیان ایرانی فراگیری دانش از هر کس و هر جا را آموزه ای اسلامی می‌شمردند و هراسی از طرح افکار دیگران نداشتند زیرا اسلام را دین کاملی می‌دانستند که نسبت به خطرات احتمالی از سوی این تفکرات مصون است.

ترکیب روشهای اصلی

بسط پاراگراف

توصیف، مثال، استدلال



احمد بستانی (کارگاه نگارش)

علت را می توانیم به عنوان دلیل به کار ببریم توضیح بیشتر زیر مجموعه توصیف قرار می گیرد.
توصیف یعنی چگونگی - چگونه یک فرایند اتفاق می افتد. (صفحه ۶۸-۶۹ جزوه همین مطالب
آمده)

این مثال سه تا پشتیبان اصلی دارد (۱- نرخ تورم بسیار کاهش یافت. ۲- نرخ استخدام نسبت
به سالهای گذشته بیشتر شد. ۳- نرخ بهره نسبت به سالهای قبل خیلی کمتر شد) کاری که کرده
این است که در فرعی ها از توصیف، مثال، استدلال استفاده کرده است نتیجه ای که از چند
جلسه گرفتیم این است که ما توصیف، مثال، استدلال داریم می توانیم اگر شرایط ایجاب کرد
این ها را تک تک استفاده کنیم و هم با هم ترکیب کنیم. ساختار پاراگراف هم عرض شد.

در حین این کارگاه سؤالاتی پیش آمد مثل اینکه اگر من بخواهم بیشتر توضیح دهم چکار کنم یا اینکه اگر پاراگراف طولانی شد چکار کنم یا اگر مسئله ۲ یا ۳ بعد داشت که هر کدام نیاز به توضیح مفصل تری داشت باید چکار کرد؟ این در واقع ما را می‌رساند به این که ما این قالب را باید باز کنیم و برویم سراغ یک واحد بزرگتر نوشتاری به نام مقاله چطور باید از پاراگراف به مقاله حرکت کنیم. خیلی ساده.